



خبرنامه



سال دوم

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۹

شماره: ۴۹

یازدهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، سرآغاز جنبش مسلحانه و
سومین سالگرد قیام شکوه، همد خلق را گرامی میداریم!

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

گرانی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه خلق

امسال نهمین سالگرد حماسه-سهاکل و سومین سالگرد قیام پرشکوه خلق در شرایطی آغاز میشود که حلقهای درخشان در هر روز از شهره-ساررانی خود بیشتر به ماهیت مسند-حلقی این دولت وابسته به امیرالمؤمنین می رسند. حلقهها پس از پیمان ضرورت مبارزه، قهرآمیز و قاطع با این رژیم ضد خلقی بی میسرند. خلقهای انقلابی در مدت دو سال گذشته با پوست و گوشت خود، چه در عرصه زندگی تولیدی و چه در عرصه اجتماعی-سیاسی، به مبارزکاری و وابستگی اینسی-حاکمین واقع گردیده اند. "حاکمین مستضعفین!" با شتاب بسیار و با حملات و حملهها، آریا-مهرسری اودام به سرکوشی خلقها و نفی دستاوردهای قیام پیاده اند. توده های تحت تسلط در عمل انقلابی خویش، بلخی ظم این تارخ و اشعار را می بیند، اما حاکمین وقت و امور، نویسندها با هزار و یک وسیله عملی و تبلیغاتی میخواهند به خلقها بگویند آنچه که بر شما میگذرد و آنچه که در آینده پیش خواهد آمد، همه از برگ سراسر انجمنی است که خود پیاده اند و هرگونه اعتسار برای مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی یعنی مخالفت با دولت و رژیم "مستضعف مردم".

آنها شکی از دو واقعیه، بزرگ تاریخی - "حماسه سهاکل" و قیام پرشکوه خلق در ۵۷ - یاد میمانیم، مروزی بر آنچه که تاکنون بر خلقهای ما گذشته، هر روز بیشتر و بیشتر است. ما از تحلیل رورهای تاریخی، امسوس گذشته، اردیستریمه نیست، تحلیل ما همراه ما تحلیلگر از لحاظ معنی و فوآن وقایع تاریخی است تا بتواند درسی بزرگ و راهبردی روشنی برای مبارزه، آینده کرد.

از ۱۹ بهمن ۴۹ شروع میکنیم، سالی که پدشاهنگان انقلابی خلق، فریاد سالها رنج و ستمدگی، سالها نگرانی و هفتان، سالها کیمی و عدم اعتماد به پدشاهنگ، سالها دیگنا توری و سرکوب و سالها مقاومت را با تلخک گلوله های آتشین در سهاکل سردادند. سالی که انقلابیستون را پس با تحلیل و همهجندی از مبارزات پیاده ها، یعنی این سارنگان واقعی تاریخ و تحلیلگر سراطط جامعه و بکارگیری آن در عمل، راه خروج از این تسلط تاریخی را به خلق نشان دادند. اصول ظاهری این کلمه تاریخی که "پیاده ها سارنگان تاریخ هستند" کافی نبود، باید آنچنان تحلیلگر و تعمیری از مبارزات پیاده ها صورت میگرفت که نتیجه این جستجو و تلاش در خدمت سراسر مردم حاکم فرار داده میشد، و گرنه نشان بگیری از واقعات آبرمان، یعنی هفتان، دیگنا توری، ریداینها، شکمها و سرکوب مبارزات خلق، کشف تازه ای نبود، این مسائل را خلق نیز خود در تجربه عملی میآزمایش می کرده بود و تکرار این واقعات دردی را دوا نمیکرد. روشنفکران بی عمل همگی اردوها و مبارزهای ارتجاع سخن میگفتند، ولی هیچکس قادر به عرضه جواب برای "چه باید کرد" - ایران نبودند. صرف مراجعه چنددیاره به "چه باید کرد" روسیه و ما چین و... نبودن درک خلق از آنها، فقط تحلیلی صرف یک روشنفکر مارکسیست زده بود. زیرا مارکسیسم یک شیوری "الهی" نیست که آنچه را که سررکان مطرح نموده اند، بدون هیچ تحلیل شخصی از شرایط خاص بتوان تحلیلگر ساده کرد. این نوع سرخورد با ایدئولوژی طبقه کارگر فقط یک الگو برداری صرف نیست، بلکه یک "همه گیری سراسر ساده" است. زیرا مراجعه به شیوری و بدون مسئولیت به سراسر انقلابیستون حلقهای دیگر و مادر نمودن همان احکام برای انقلاب ایران نمیتواند مرفا "یک فریبکاری ساده" باشد، بلکه خدمت به حکم وضع موجود به دفع دامن میباشد. این اصطلاح روشنفکران انقلابی با "سهاکلان طبقه کارگر"، به سهاکل مارکسیسم - لنینیسم را (یعنی سلاح علمی و سریده طبقه کارگر) سطر میدادند، بلکه آریا به یک شیوری زرد برای توجیه بی عملی و تارخ شفاهی نبود، در آوریدند. چنانکه اگر "شیوری مبارزه" اصطلاح "در اواخر دهه ۵۰ بدون بکارگرفته نمیشد، شیورهای این "مارکسیست" های مظلوم و کوشه کبر (علیرغم سراسرهای که رژیم سهاکل در هرگز "جرسره" شتاب و آرامش امیرالمؤمنین و رژیم وابسته سهاکل نمیتوانست بهم رسد.



جریک فدائی خلق

رفیق شهید، علی اکبر صفائی فراهانی

رفیق صفائی در سال ۱۳۱۸ در تهران بدنیا آمد. خانواده‌ای زحمتکش داشت. خانواده‌ای زحمتکش داشت. به‌ما چار رفیق صفائی در دوران تحصیل خود در هنرستان صنعتی به کار در چاپ - خانه اشتغال داشت. در هنرستان با رفیق سید گلاندازی آشنا شد و از طریق او با گروه حزبی تماس گرفت. رفیق صفائی پس از پایان تحصیلات خود در هنرستان به کار تدریس در هنرستان ساری مشغول شد و همزمان با آن در دانشگاه علم و صنعت تهران به تحصیل پرداخت. پس از دستگیری گروه حزبی، رفیق صفائی شد و به اتفاق رفیق صفاری هارم فلسطین گردید. او به عضویت "جبهه آزادیبخش فلسطین" (الفتح) درآمد و پس از جندی به فرماندهی یک پایگاه حرکتی برگزیده شد.

رفیق صفائی یکبار در سال ۴۸ به ایران آمد و پس از تماس با رفقا برای احیای تدارکات سفید در صفحه ۱۳

تئوری انقلابی زمانی می‌تواند محسوس و ملامت برده و کاری در دست پشاهنگ قرار گیرد که از نتیجه بررسی دقیق و علمی تفویض و محسوسات سیستم اقتصادی - سیاسی جامعه بدست آمده باشد. آنجا که رفقای بنیادگذار سازمان ما به بررسی نتایج عملی "انقلاب سفید" در صحنه روستاها و شهرها و بازارها گسترش این تفویض در سیستم - حاکمیت و ارگان مرکب آن پرداختند. شرایط مادی نوده‌ها و زندگی تولیدی و مبارزاتی آنها را مورد توجه قرار دادند و به نقد و بررسی در مورد تأثیر مبارزات گذشته بر ذهن نوده‌ها نشاند. مهندران همه، به نقد بخش حزب تشبیه شده، فاش و فرباسی که بر عینش خلق وارد ساخته بود، پرداختند. رفقا با توجه به شرایط ویژه کشورمان و با یکارگیری تئوریهای عام مارکسیسم - لنینیسم و با تجربه اندوزی از انقلابات کشورهای دیگر، بدون آنکه دچار الگوپردازی شوند، "تئوری مبارزه مسلحانه" را تدوین نمودند.

روز ۱۹ بهمن ۴۹ نقطه عطفی تاریخی در مبارزات فدائیان مبنی بر خلق درکل و جنبش کمونیستی بطور اخص بود. مبنی مسلحانه در پیروسی رشد و تکامل خود توانست روشنفکران مسادی و انقلابی را که از عدم وجود تئوری انقلابی رنج میبردند، بطرف خود جلب نموده و آنانرا بسط نیروی بالفعل جنبش تبدیل گرداند. مبارزه مسلحانه، چه در عمل و چه در تئوری، امروزه بنویسند های بی عمل را در صحنه مبارزه طبقاتی رسیبوا نموده و خط فاطمی بین انقلابیون واقعی و آنان کشید. با آغاز مبارزه مسلحانه، دیگر رژیم - وابسته و ارگانهای سرکوشش با تعدادی روشنفکر ازوله و منفعل رویرو نمودند که بر احیای می‌توانند آنها را دستگیر کرده و "آرامش" را همچنان حفظ کنند. تئوری مبارزه مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک مختص یک گروه و پایک سازمان خاص نبود که رژیم با تلخ و قمع افراد می‌تواند تئوری را نیز نابود سازد. این تئوری می‌تواند تنها تئوری انقلابی به نیروی مسادی تبدیل شد که در همه عرصه‌های زندگی مبارزاتی خلفها تا شهر خود را بشنید. پیوستن سایر گروه‌های انقلابی به این مبارزه و قبول این مشی در عمل انقلابی، می‌تواند ای نوازل نا پذیر سرای این تئوری گردید. این مبارزه در ادامه رسد و گسترش خود در سطح جامعه، نه تنها روشنفکران و نیروهای آگاه خلق را هدایت نمود، بلکه تا به



جریک فدائی خلق

رفیق شهید، مهدی اسحاقی

رفیق مهدی اسحاقی در سال ۱۳۲۲ در تهران بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۵ وارد دانشگاه شهراز شد و از همان ابتدا فعالیتها در مبارزات دانشجوئی خودی شرکت جست و در سال ۱۳۲۶ به علت شرکت در فعالیتها در اعتصابات دانشجوئی ۶ ماه از تحصیل محروم شد. رفیق سحر زندگی مبارزاتی خود را در گروه "ستاره" شروع داد و به این اثر باقی که به این گروه وارد آمد، مکتفی شد. رفیق اسحاقی از طریق رفیق رحیم سماشی و پس از پذیرفتن هشی مسلحانه به رفقای سیاهکل پیوست و در واقع از اولین اعضای دسته جنگی بود. رفیق اسحاقی نیز همچون رفیق سماشی توسط سازمان جنگ خود و هر نیروی رومیاری با سگستان زنجیری امپریالیسم به شهادت رسید. پادشاهان و راهش پادشاهان.

بخیال خود میخواهند خلق را تسبیح عاجل - ترین مسائل منوجه سازند. سرنحولات آنقدر سریع بود که در نظریه های "کارآرام" و "سازش -

نا، تیری که توانست بر روی توده بگسندارد، سرکوب رژیم را سی ابر مساخت و تا تیر آنرا بر امر مبارزه به حداقل میرساند. مردم دیگر که همیشه را تحت نام جریک فدائی میشناختم. رفیق کبیر امیر پرویز پویان در آغاز جنبش مسلحانه میگفت که اگر حتی سازمان ما زیر ضرب قرار گیرد و از بین برود، ولی جنبش مسلحانه از طریق گروه های دیگر به هیات پویای خود ادامه خواهد داد و این به معنای شکست استراتژیستیک مبارزه مسلحانه نخواهد بود. در سال ۵۵ به اثر ضربه مهلکی که رژیم بر دیگر سازمانها وارد آورد، عمده کادرها و مرکزیت سازمان شهید شدند. عمده کادرها و اعضای که باقی ماندند، به اثر برآکنندگی و عدم وجود مرکزیت انقلابی و عدم درک صحیح هشی نتوانستند ضربه وارده بر سازمان را خیران نمایند. مدیریت آشفته در پیای که بر سازمان جریکهای فدائی خلق ایران وارد شد اما پس فریاد، نه تنها شکست استراتژیستیک "ثوری مبارزه" مسلحانه نبود، بلکه یکسال بعد خود توده ها در مبارزات خارج از محدوده دست به خنای توده های شهر آمیزی از مبارزه زدند که با بر محنت و سقوط این ثوری در پی توده های انقلابی خلق بود. رژیم وابسته بعد از وارد نمودن این ضربه بر دیگر سازمان شروع به تبلیغات سرمام آور کرد و ادعا نمود که "دیگر یک جریک در ایران نیست و اینان (جریکها) را شکست داده ایم". البته در این میان اپورتونیستها با تبلیغهای گوناگون خود معنی بر "شکست استراتژیستیک" ثوری مبارزه مسلحانه، با رژیم شاه و ساواک همصدا کردند. اینان با این امید که مبارزه مسلحانه "پایان" گرفته است، با خیال راحت به کار آرام "سیاسی - تشکیلاتی" پرداختند. دو سال بعد توده ها در مبارزات فدائی امپریالیستی هستند با حمل به هوسات و نهادهای امپریالیستی، ثوری شهر را در عمل انقلابی بگازینند و نتان - دادند که به ضرورت قاطعترین توده مبارزاتی بی برده اند. آیا توده های انقلابی با طرح شعار - هاشی چون "رهبران ما را مسلح کنید" و "ما تنها ره هاشی، جنگ مسلحانه"، جهت کدام ثوری را در عمل با اثبات میرسانند؟ در هنگامیکه خلفا در اوج روحیه انقلابی خود سر میبردند و مسئله - شهرت از مرکز را برای خود حل نموده بودند، طرفداران کارآرام سیاسی و سازش طلبانی، با طرح شعار هاشی کاملاً منفی و فرمستی، ستاره



حریک فدائی خلق

رفیق شهید محمدعلی محدث تندجی

رفیق محمدعلی محدث تندجی در سال ۱۳۲۲ در شهر تبریز متولد شد. او تحصیلات متوسط خود را در تهران به اتمام رساند و تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده دامپزشکی تهران به اتمام رساند. رفیق محدث تندجی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود به سرپازی رفت. رفیق محدث تندجی در نیم گوه عضویت داشت. رفیق پس از شکستن محاصره جنگل و خارج شده از منطقه درگیری به علت شرایط نامساعد از پای درآمد و دستگیر شد و پس از تحویل شکنجه‌های فسراوان در بهرگاه ۲۶ اسفند به اتفاق ۱۲ تن دیگر از سارامان توسط عامل امیرالکبیر تبریاران بدیادش باو وادان، راهش پاندار.

عناصر فرصت طلب بدرون سازمان و عدم شناخت و بی‌حرکتی بقیه اعضا و هواداران از سوی دیگر باعث انحطاط خط می‌ایبورنومستی برنکملات شد. مرکزیت جدید بجای آنکه به نبود و حکم بدوری و

طبعی این فرصت طلبان هرگز قابل سنجش نبود. این ساگردان مدعی حزب بوده، سالها بعد از آغاز مبارزه مسلحانه، این گفته رفیق کبیر سعود احمدزاده را که "مگر تجربه کوبا نشان داد که یک موتور کوچک و مسلح میتواند تمام را آغاز کند و بتدریج توده‌ها را نیز به قیام بکشاند؟" مورد استناد و تمسار قرار میدادند و شگفتند که احمدزاده و رفقایش با موتور کوچک سوخته مئی چریکی میخواهند قیام را آغاز نمایند و توده‌ها را به مبارزه مسلحانه توده‌ای بکشانند. البته اظها. چنین مطالبی از جانب ایشان تا زکی نداشت، زیرا پیش بینی تشویرگ، ایمان در مورد مبارزه مسلحانه توده‌ای آنقدر نخبند و دوران واقعیت بود که عملاً "قیام مسلحانه توده‌ای" و "کسب قدرت سیاسی" را تا قیامت به تعویق میبندادند. اما آنچه را که خلقها در عرض دو سال قبل از قیام و روزهای قیام عرصه کردند. خط بطلانی سر روی تئورهای فرصت طلبان کشید. خلق اینبار با با نبردیتری از مبارزه مسلحانه، سرخلاف خرداد ۲۲، دست به تاخت‌و تاراجهای سوسی از مبارزه قهرآمیز زد؛ اینرا دریافته بود که در مقابل دشمن مسلح و مجهز، بایستد سازمانها سر و سامان از گذشته و باتویل به شوه شهر عمل نمود. اگر در ابتدا قادر به تهیه اسلحه نبود، ولی حداقل میتوانست از کودکان مولوفوف، به راهی استفاده نماید تا بتواند در مقابل تهراندانقلابی دشمن، قهراندقلابی را اعمال کرده و کم کم راه بهرراخانه دشمن، بنی یادگاشها بیاید. با توجه به چنین رویه‌ها تزلزل ناپذیر و انقلابی است که توده‌ها منتظر رهبری نخبند و خود مستقیماً اقدام به تخریب و حمله به یادگاشها و کلانتریها نمودند و شمار "تسلیم توده‌ها" را خود در عمل تحقق بخشیدند. قیامی که مبرفتنا گسترش بیابند و در پروسه جنگی طولانی به سلطه امپریالیسم خائسه دهد و حکومت خلق به رهبری طبقه کارگر را بر سران آورد، سلطت نمود اپورتونسم در سازمان پنهانک و بدلیل نمود امپریالیسم در صفوف خلق از طریق خیانتکاریانی چون خاکمسن کبوسی در رهبری، شعله قیام مسلحانه خلق فزوکش کرد.

هرای سازمان ما با آنچه به بحرینه و آن سوان مبارزاتی نتوانستند در جریان حسیس بقیس سازمان پنهانک را تازی کند؟ بیادب عمده رفقای مرکزیت و اعنای سازمان ما ارتکبو و نمود



جریدهای فدائی خلق

رفیق شهید احمد فرهودی

رفیق احمد فرهودی در سال ۱۳۲۵ در ساری
 متولد شد و پس از پایان تحصیلات در اداره
 دارایی شهرستان ساری به کار مشغول شد. رفیق
 فرهودی از سال ۲۶ در گروه رفیق مسعود احمد
 زاده به فعالیت مشغول شد و در سال ۲۹ با تقاضای
 رفقا کاظم ملاحی، احمد زبیرم و حمید توکلکی
 طرح معادله بیانک ونگ را به اجرا درمیاوردند.
 رفیق فرهودی سپس به تیم جنگل پیوسته
 و بزودی به معاونت تیم رسید. او همراه پنجم
 تن دیگر از رفقا سو بیگ انصارک آذوقه که لاسو
 رفته بود، معادله دشمن درآمد و بعد از جهل
 و همت ساعت نبرد دلورانه و وارد ساختن ضربات
 سخت به نیروهای دشمن، در اثر شرایط مساعد
 فراوان از پای درآمد و همراه دیگر رفقا
 دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان توسط
 دژخمان رژیم در سجندهدم ۲۶ اسفند ۲۹ به
 اتاق دوازده تن از یاران شریاران شد.
 پادشاه داودان، راهی پادشاه.

طلبان به انتقاد ارتشوری مبارزه معادله
 برداشت و بدسترس سازمان، چه درپروسه پیام
 و چه بهداران، نتوانست نقش پیشاهنگی خود را
 ایفا نماید. رهبری سازمان با قبول نظمسیرات
 طلب مانده ای که چنین معادله بگیار مردودیت
 آنرا اعلام کرده بود، نه تنها از تنوذهها عفسبب
 افتاد، بلکه با طرح بگیری انتقادات به گذشته
 و بخصوص به نظرات رفیق احمدزاده، سازمان را از
 مسیر اطمین خارج نمود. نظرات جدید، "ملا"
 ابتکار رهبری و عمل را بدست بورژوازی وابسته
 میداد. تغییر نهاد "خلق با امیربالیم" به
 نهاد "خلق با دیکتاتوری فردی شاه"، سازمان
 را با حزب ارتجاعی تنوذه و ورشکستگان سیاسی
 چون سنجایی و بازارگان و توکراشی مانند بدنی -
 احمد و بزدی و بهشتی همسو گردانید.

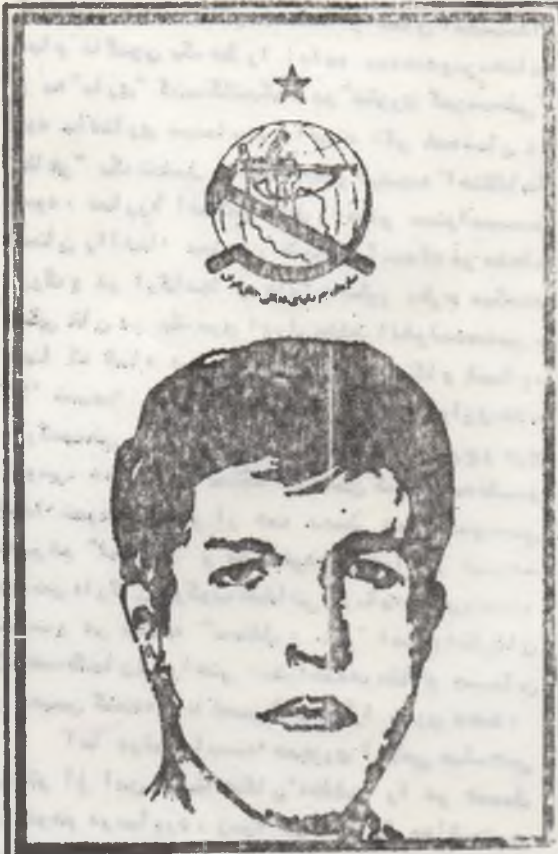
امیربالیم نیز با حیلگیری تمام، از
 موقعیت پیچیده ایران سود جست. قربانی نبودن
 بهترین توکر خود، بهمنی شاه درقبال عفسبب
 سیستم سرمایه داری وابسته و روی کارآمیستن
 حاکمین کنونی، سربمترین راه فرار امیربالیم
 از افواج فلاکتناش بود. امیربالیم با تنوذه به
 بهران اقتتادی ای که بدان دچار بود و تنوذه
 شکست جنگ ویتنام و تنوذه کارگر آمریکای
 (که حاضر به جنگ دیگری مانند ویتنام نبود) و
 افکار عمومی جهان، معادله نظامی و با کمک به
 درگیری طولانی و فرمایشی ارتش شاه با مردم را
 به صرفه نمودانت. زیرا درگیری مستقیم بسا
 غیرمستقیم درایران، تعادل و توازن فوارا به
 نفع نیروهای انقلابی و کمونست تقمیر میداد و
 جنگ تنوذهای طولانی را بر رهبری رادیکالترین
 نیروها بر علیه امیربالیم دامن میداد. از اینرو
 چاندنرها، هم در داخل از طریق هوپزر، بازارگان،
 بهشتی و هم در پاریس از جانشینری کلارک بسا
 خمینی و "امام پاریس" شروع شد. در نتیجه
 با توافق امیربالیم، جناحی از سرمایه داری -
 وابسته و سازشکارانی که نمایندگی سیاسی آنرا
 معده داشتند، ابتکار رهبری "عیبه فد شاه"
 را در دست گرفتند.

طرح شمارهایی از قبیل "به گفته خمینیسی
 ارتش برادر ماست"، جلوگیری از تسلیم تنوذهها
 و با تبدیل شعار "مرگ بر امیربالیم" و بگهای
 زنجیریش "تنها به شمار" "مرگ بر شاه"، از شرارت
 مذاکرات حاکمین کنونی با امیربالیم مسانند.
 آیا چه شماری بهتر از این شمار (... ارتش چه

برادر ماست) میتوانست نظام ارتش امپریالیستی و زرادخانه آنها حفظ نماید؟ آیا چه خدمتشناسی بالاتر از این به امپریالیستها و سرمایه‌داری - وابسته، که از تسلیم توده‌ها و حادث شدن مبارزه آنان به این شکل حمله‌گرانه جلوگیری شود و حمله تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن توده‌ها را اینگونه قدم به قدم به همراه گذاشتند؟ فقط امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته است که از این همه خدمات و همکاری یاران "سرسپرد" و کهنه‌کاران - سیاسی، مسوانند قدردانی نمایند.

مدتی از تمام نگذشته بود که دولست جمهوری اسلامی بنویسده ارتش امپریالیستی و امراض خون سرلشکر رکن ۲، فرعی به ترکمن صرا و کردستان آزادخواه، با سمب و خمپاره حمله ور شد. خلق رزمیده کرد رودتر از سایر خلقهای دیگر ایران، متوجه شعار معروف خمینی (..... ارتش برادر ماست)، شد و بهوسیله ریاضت گسه ارتش حفظ گردیده است تا چنین فجایعی را در ایران بوجود آورد و این تخریب را خلق ترکمن و خلق غرب نیز آزه بودند. مردم سایر نقاط ایران هم اگر با ارتش امپریالیستی روبرو نشدند، ولی با فریب خوردگان و دوران "حزب الهیسی" و "کمیته‌های امام" و "پاسداران سرمایه‌داری" که اکنون بمسوا زانده این ارتش عمل میکنند به مبارزه برخاستند. خاکمین کنونی خیلی سریع و "انقلابی" اقدام به بازسازی و ترمیم سیستم سرمایه‌داری وابسته نمودند. سرگوب مبارزات - حق طلبانه کارگران، اشغال دفاتر روزنامه‌ها و سازمانهای منرفی و مبارز، آزار و شکنجه، انقلابیون از سر گرفته شد. اما در مقابل دولت - منتخب امام (دولت موقت) تا همین مالی و جانی به سرمایه‌داران فراری داد و تمام قراردادهای اسارت بار امپریالیستی را محترم شمرد. کسار - خانه‌ها نه تنها در دست کارگران قرار نگرفتند بلکه با وام‌های دولتی و با سرپرستی دولت و ماحسان سابق به همران خسارات برداختند و یکی از راه‌های ترمیم خسارات، اخراج کارگران - انقلابی و سرمازیدن از پرداخت حقوق عقبست - افتاده کارگران بود.

هرچنان منحن "کار" در شرایط سمداز تمام ما نمیدانیم بر فرمت طلبان در فریب توده‌ها، خاکمین کنونی را یاری نمود. آنها در نامه معروف خود به مبارزگان "انقلابی": "آزمان و "لیمسوال" کنونی، اعلام خدمتگزاری به دولت موقت را صریحا



جریک فدائی خلق

رفیق شهید ناصر سیفی، دلیل صفائی

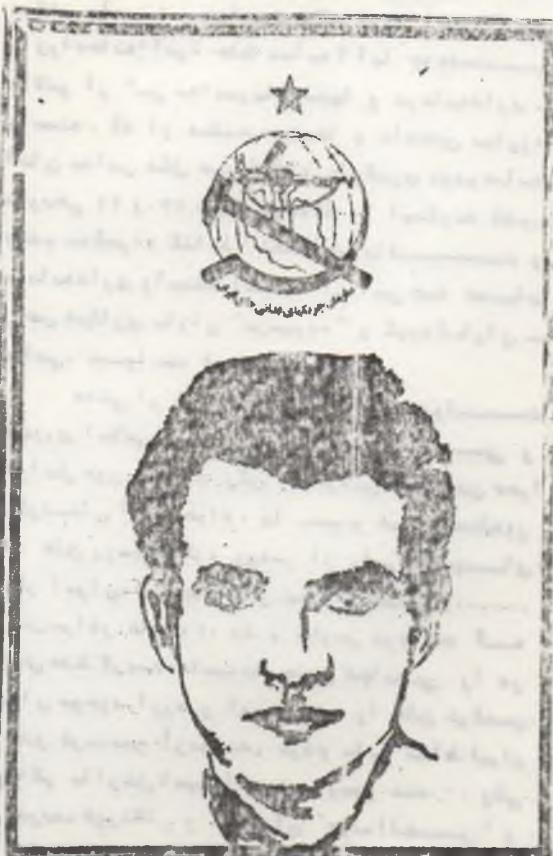
رفیق ناصر سیفی دلیل صفائی در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده کارگری در سنگر بدتیا آموخت. او در سال ۱۳۴۵ به دانشکده پلی تکنیک وارد شد و در تمامی دوران تحصیلاتی در مبارزات دانش - حوثی شرکت جست. رفیق سیفی دلیل صفائی پس از پایان تحصیلات دانشجویی خود به سرمازی رست و پس از پایان دوران سرمازی در کارخانه تولید دارو مشغول بکار شد.

وظایف رفیق در رابطه با شهر تعیین شده بود و از اعضا تدارکاتی شبکه جنگل بود.

رفیق در ۱۲ بهمن ۴۹ توسط ساواک بازداشت گردید. رفیق سیفی دلیل در سپیده دم ۲۶ اسفند با تمامی ۱۲ تن دیگر از رفقایمان به دست شوکران آمریکا برسران گردید.

پادشاه و ادان، راهش بایدار.

مطرح نمودند و در ضمن به مبارزگان گفتند که شو خواگی خواستهای انقلابی توده‌ها، هستی. الحق که زمینگیان و کارگران و مخصوص خلق کرده



جریدهای فدائیان

رفیق شهید هادی بنده خدا لنگرودی

رفیق هادی بنده خدا لنگرودی در سال ۱۳۱۹ در لنگرود بدنیا آمد. او در سال ۱۳۲۲ بدانشکده پلی تکنیک تهران رفت و در تمام دوران تحصیل خود فعالانه در مبارزات دانشجویی شرکت کرد در سال ۱۳۲۶ بدلیل شرکت در اعتصاب از دانشکده اخراج شد و بعنوان تنبیه او را به سربازی فرستادند.

رفیق هادی بنده خدا لنگرودی در سال ۴۸ توسط رفیق حسن پور عضوگیری شد و در سال ۴۹ با اتفاق تیم گروه به جنگهای شمال رفت.

رفیق در جنگهای سپاه گل دستگیر شد و در ۲۶ اسفند ماه سال ۴۹ به همراه ۱۲ تن دیگر از جریدهای فدائیان خلق ایران بدست سواران امپراتور با اسلحه شربانیان شد و با خون خود درخت انقلاب را آبیاری کرد.

یادش جاودان ، راهش با ابدار .

"اسلحه" تحت عنوان مبارزه "فدایان لنگرودی" صورت گرفت. دست خدا مهربان همیشه ما کمپین کنونی پی.

"جواب" حواسهای انقلابیشان را از بازگمان گرفتند! جریانه، فرصت طلب از همان ابتدای قیام تاکنون یک خط را ادامه میدهند و سرخفتان و به "باری" کتب کلاسیک، پر "شوری کمونیستی" خود با فشاری میسازند. البته اگر همه شان در "ظاهر" یک تحلیل را میدادند و اینهمه "اختلافات" نبود، مبارزه انقلابی خلق را کمتر میتوانست اینان را اغشاء نماید. علیرغم آنچه که در صفحات بزرگ و در ارگانها و جزوات قطور مطرح میکنند، همگی شان در یک سری اصول متفق القولند: بدین معنا که گناه صفت گونیه تنها به هنگام قیام، کلا نتیجه "منی انحرافی"، خرده بورژوازی، فدا مارکسیستی و... "چریکی" است. "فدای هرچ و هرچ کنونی، دمگراسی ایستکه خاکه من کنونی به خلسه اهدا نموده اند. و از همه مهمتر دولت کنونی علیرغم "لیبرال" و یا "خرده بورژوا" و "لیبرال" بودنش ارگان سرکوب طبقاتی سرمایه داری وابسته نیست و در نتیجه "مستقل و منی" است و همگیشان (فرصت طلبان) براحتی میترانند در مقابل حساس و تعیین کننده، تا کمپین کنونی را باری دهند.

اما دولت وابسته جمهوری اسلامی خلیفه زودتر از این "پیشاهنگان" خلیفه را در عمل از توهم درمیآورد. زیرا خودها با مدافعت و درک طبقاتشان که حامل زندگی روزمره آنهاست، برخلاف روشنفکران فرصت طلب، دولت حاکم را از درون "کتب کلاسیک" و یا ادیان باور و عقاید جاگرمیت مورد ارزیابی قرار نمیدهند، بلکه در زندگی و مبارزه عملی و با تکیه بر تمامی تجربیاتشان بی بهما بهت خاکه من ولت میبرند. خودها بخوبی دریافته اند که "اسلام" و "مدل اسلامی" ایست که در مداران رژیم چریکی برای "دکتر منافسی" سرمایه داران و زمینداران بزرگ است.

رشد بحران و تضاد طبقاتی در جامعه و شکست توطئه های ارتجاع حاکم در گردن سگان و تاشیر مبارزات قهرمانانه خلق کرد در سایه نقاط ایران، رشد و گسترش مبارزات دیگر خلیفه از جمله خلق عرب، خلق ترکمن و اعتراضات وسیع و توده ای در اقصی نقاط ایران، مقاومت و دلیرانه صیادان و مردم بندرانزلی، الحسینای مجلس موستان و جایگزین نمودن مجلس کدائسی خیرگان بجای آن و اعتراضاتی که بر علیه این اقدام میشد و بالاخره محرمه شرایط، اوضاع را در جهت نابودی رژیم همیشه در پرتو از اینست و صفحه "اشغال سبارت آمریکا" از طریق مسدهای

همانطور که اینبار سرفه با سرکوب مجسده و سدید حفقار در جامعه همراه کردند. رژیم در حالیکه خود را مدافع خلق جا میبرد، سعی در سرکوب هر نوع مبارزات اعتراضی بوده است. صدور اطلاعیه‌هایی از جانب شورای مدافعان خلق علیه کارگران و رنجبران و جلوگیری از هر نوع سخن و اعتراضات با سرکوب آمریکایی بطور حسی در دستور کار قرار گرفت. "تسخیر سفارت" میبایست با بسیجی‌های گروهها و سازمانهای مردم طلب سازماندهی فریبکارانه حزب جمهوری - اسلامی را در جهت جمعیت‌نویسی شده‌ها تکمیل نماید. باید از حق بگذریم! که این سازمانها هم بخوبی توانستند آن خدمت "ثابت" را در پوتانیدن چهره کثیف این رژیم حافظ منافع سرمایه‌های امپریالیستی، بنمایند. اینبار جمهوری اسلامی در همین حال که با آمریکا "میجنگد" با پوتانده‌ای که از بغض از سوده‌ها و بخصوص سازمانهای میانی و "مترقی" بدست آورده بوده به سرکوبی خفیه پرداخت. سرکوب صحرا در روزهای بعد از ۱۹ بهمن ۱۳۵۸، شاهد یکی از فجیعترین جنایات رژیم جمهوری اسلامی است. خلق ترکمن سرکوب میشود چون میخواهد زیر بار ستمگری رژیم همیشگی نرود، چون میخواهد آزاد باشد، سراسیمه‌ای رژیم برای درهم‌نکستن مقاومت خلق ترکمن چهار فرزند انقلابی، توماج، مختوم، واحدی و هرجانی را به قتل رساند و مسئولیت این جنایت را طبعی اطلاعیه‌ای به عده گروه طرفداران چهارم، مملکتانه بنا اندراده گذارد. رژیم میگوید تا با این حرکت جدیدین هدف را دنبال نماید: اولاً "خلق را نسبت به چریکهای فدائی خلق که تاکنون قاطعانه و شورشناپذیر از منافع خلق پشتیبانی نموده، بدین سازد تا آنها زمینه بورش و قتل تمام گروههایی را که مملکتانه از کردستان دستنما میسودند، فراهم سازد و در ضمن گفته خود را نسبت به چریکهای فدائی خلق که در فریب‌نویسیها در مورد "اسمال سفارت" باری تان رسانده، خالی کند.

سرکوب حقیقتاً در ترکمن صحرا حاشیه‌ساز است. اعتراضات سوده‌ای سرباز سرکوب گردید. کردستان همچنان در اسجک میسود و رژیم همه اینها را اعمال و حسابات را تحت نام "سازره" با آمریکا صورت میدهد. اما این فریب هم نتوانست مسدود زیادی خلق را در وهم نگاهدارد. زیرا عنوانی سازره، مدافعان میانی خلق، کلاً روس و مشخص



چریک فدائی خلق

رفیق شهید محمد رحیم سمانی

رفیق محمد رحیم سمانی سال ۱۳۲۶ در تهران بدنیا آمد. او از دوران دبیرستان با فعالیت‌های سیاسی آشنا شد و قیام پاسنده سرحداد ۲۲ را تجربه کرد.

رفیق سمانی در سال ۲۵ وارد دانشکده ملی تکنیک شد و در مبارزات دانشجویی نیز فعالیت‌ها را شرکت کرد. او در سازمان دادن مراسم شهادت فلامرزا نجفی، تظاهرات مدافعان میانی سال ۲۷ که در پایان معاینه فوئبال مسجور گرفت و تظاهرات خیابانی سال ۲۷ به منظور اعتراض به کراسی نوح بلیط انویوس فعالیت شرکت کرد.

رفیق سمانی از اولین اعضای تیم جنگل بود. رفیق سمانی در جریان مبارزات شهرمانده سهاکل پس از چهل و هشت ساعت سربد همگامیکه در طبعه محاصره دشمن فرار گرفت سمانی تسلیم از سربد بیرون آمد اما مشخص اینکه در سمانی سربد دشمن فرار گرفت سارنگ خود را متعجب کرد و با رفیق در صفحه ۹



حریک فدائی خلق

رفیق شهید اسکندر رحیمی

رفیق اسکندر رحیمی در سال ۱۳۲۶ در شهرستان نایبجان بدنیا آمد. او پس از پایان دوران سربازی در فومن بکار تدریس مشغول شد. رفیق رحیمی از اعضای ارتباطی تیم جنگل باشهر بود.

رفیق اسکندر رحیمی پس از دستگیری و تحمل شکنجه‌های فراوان در سحرگاه ۲۶ آغوست ۲۹ به اشغال ۱۲ تن دیگر از حریکهای فدائی خلق ایران توسط دژخیمان حکومت تبریز اربان گردید. پادشاه اودان، راهش پاپار.

بتمه از صفحه ۸

وارد آوردن تلفات زیادی به دشمن، خود نیز سه شهادت رسید. سایر رفقا نیز توانستند خلاصه مهاجره را شکسته و سرورن برسند.

رفیق حمید اشرف میگوید: "رفیق ساشی یک انقلابی راستی است و در راه عشق آرمان - های خلق همه گونه فداکاری از خود نشان داد". پادشاه اودان، راهش پادار.

است. حواس انقلابی خلق در مبارزه‌اش با آمریکا بدینصورت سپس میگردد: قطع کامل روابط با آمریکا، امپریالیسم از ایران، قطع روابط با آمریکا، لغو تمام قراردادهای امپریالیستی و مناکسه علمی تمام حاسوسان آمریکائی. پاسکوش فدائی خواستها مسلما" از عهده دولت مازش با آمریکا خارج است. ما در همان موقع درباره حرکت رژیم جمهوری اسلامی در مورد "اشغال سفارت آمریکا، در اعلامیه‌ای تحت عنوان "مرگ بوا امپریالیسم آمریکا، مرگ بر فویسکاران" (۱) چنین گفتیم: ".... آینده با وضوح تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و یارانش این بازی را به چه منظوری سراغ انداخته‌اند؛ آینده نشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از ابتهمه هیاو نه پسروروش روحیه انقلابی و فدا امپریالیستی نوده‌ها و نه برای پیشبرد مبارزه فدا امپریالیستی، بلکه برای جلب حمایت هر چه بیشتر و تحکیم رابطه خود با امپریالیستها است." (۵۸/۸/۱۷).

اکنون پس از گذشت چهارده ماه از "اشغال سفارت"، باستان همانطور که انتظار میرفت، پایان بهمت. نه تنها گروگانها آزاد گردیدند بلکه ثروت خلفهای تحت ستم ایران در کشورهای امپریالیستی به غارت برده شد. در مدتی که رژیم "جمهوری اسلامی" در "جنگ" با آمریکا بسود، فرصت مناسبی را برای ترمیم و تحکیم دوگسست ارتعاشی پیدا نمود. تصویب قانون اساسی که بدینصورت آن سطره امپریالیسم را بر ایران تضمین میکند؛ قانونی که در هر حمله آن مخالفت با خلق ها و کارگران و زمینگان "پشتوانه" قانونی" میباشد، قانونی که مبرومیت نشان را چند برابر میکند، قانونی که "ولایت فقیه" را مانترین "سلطنت شاهناهی" نموده، به "رفراندم" گذاشته شد.

در این مورد هم آراء مردم مانند گذشته احلا" مطرح نبود، زیرا این قانون از قبل سه تصویب "فقیه" و شورای فدا انقلاب رسیده بود و این رفتارند تنها حفظ ظاهر بود.

گام بعدی رژیم انتخابات رئیس جمهور برای تحکیم موقعیتش بود. البته از قبل روشن بوده که نوده‌ها آنکسی را میتوانند انتخاب نمایند، که سردمداران رژیم برای آنان تهیه کرده‌اند. با "پهنگیری موقوع"، دست اندرکاران رژیم از ورود افراد "متفرقه" به صفوف کاندیداها جلوگیری نمودند. خمینی با چند حمله خیال همه کماتنی

را که فکر میکردند تا نفوذ در درون سیستم
متمن باشند، ساعت ششم و افسانگری نبود. راحت
نمود. با انتخاب رئیس جمهور، سردمداران رژیم
به حکایت پرور و اعمال غیرانسانی هستند.
"فائوست" بهضدیت با براعتی سواستد حرکتی
چون بخورن کشیدن و تعطیل دانشگاهها را بسزاه
بسیارند. دانشگاه این کشور آدامه است.
فرزندان انقلابی خلق که هم در رژیم شاه و هم
در رژیم جمهوری اسلامی بدفام قاطبانه از دست
آورد های مبارزات خلق برخاسته بود، با دستور
خمینی و رئیس جمهور "انقلابی" در جهت منافع
امپریالیستها به خون کشیده شد و بنی مدر بسر
بسر خونین شهدای دانشگاه جن "ولادت" حکومت
را گرفت و بدفمال این خوش خدمتی فرماستد
کل فراز خمینی بهضدی مدر توفیق شد. بنی مدر
با قبول این مسئولیتها به ترمیم و بازسازی ارتش
امپریالیستی پرداخته و در همین حال ترکستد
فرهستان را هم شدیدتر از گذشته آدامه داد.
بنی مدر بهیاری "برادران" خود در خلق سلاح
خلفها و گروههای انقلابی فتافتند و بهین منظور
با ترتیب دادن یک "جبه آزاد" با نمایندگان
حریان فضاظ "کار" زمینه خلق ملاح را آماده
کرد و شروع چهار فرزند طلق ترکس را توجیه
نمود که البته نمایندگان حریان "کار" هم
بیکار دیگر هیانتشان را در این مباحثه نشان
دادند.



چریک فدائیان خلق

رفیق شهید اسماعیل معینی عراقی

رفیق اسماعیل معینی عراقی در سال ۱۳۲۱
در آراک متولد شد. در سال ۱۳۴۱ به دانشکده
پلی تکنیک راه یافت و در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل
شد. رفیق اسماعیل معینی عراقی عضو کمیته
شوری شبکه جنگ بود او در تاریخ ۱۲ بهمن
۲۹ در محل کارش بازداشت شد و به همراه ۱۲ تن
دیگر از چریکهای فدائیان خلق در مهرگیسار
اسفند ۲۹ توسط دروغمان امپریالیسم بهربارار
شد.

با دش جاودان، راهش پایدار.

همان فرمتی را که "گروگانگیری" برای آسان
بجاد کرده بود تا خلقان و فشار و استعمار
مخالف خلق را شدت بخشند، فراهم میسازد. از
اینرو گوشهدهد تا فاشی که ممکن است خلق را
بهازند، قیمت بنزین ترقی میکند. اوراق عمومی
گران و کمباب میشود و دولت با اعمال یکسری
مالیاتها و دستبرد به طریق افراد ماعل میتواند
خرج گران و سنگین جنگ را بدوش خلق بیاید.

در تریابی که اثرات اقیانوس و شکسته در
تمام غشون زندگی تودهها نقش بازی میکنند
حکارتی و گرابی بصورت مستماری بر دوش مردم
میهنمان سنگینی میکند. مصیبتهای جنگ میسر
عادلانه؛ دو دولت ارتدعای ایران و عراق ضعیف
بدان افزوده شد. جنگی که عز کشار و خاضع
غرابی و ویرانی سینههای دیگر برای خلقهای
دو کشور نداشت. رژیم جمهوری اسلامی با آفتاب
احمد ارتش ددخلق عراقی به ایران بر شدت هولات
مرکوبگراش بر علیه مردم زحمتکش ما افزود و
در آدامه این جنگ خانمان برانداز دست به پرور
و سرگوب و شکنجه خلق زد، رژیم و مستعز دوران
عساکارش میخواهد تا حد امکان بار سنگین و
گران این جنگ را بر دوش زحمتکشان بیدازند.
هرگونه اعتراض و تریبی از این دستورات
خلق، مایاب در نطفه خفه گردد تا اینست
براعتی از موقعت ایجادنده در جهت منافع خود
بود برند. ایسان کمان میبردند که جنگ میسر



جریدهای فدائی خلق

رفیق شهید شجاع الدین مشدی

رفیق شجاع الدین مشدی در سال ۱۳۲۱ در شهر رشت متولد شد و در سال ۱۳۴۰ وارد دانشکده پلی تکنیک مشهد و فعالیت در مبارزات دانشجویی شرکت می‌کند و به عنوان نماینده صنفی دانشجویان انتخاب می‌گردد. رفیق پس از پایان دانشکده به سرپرستی می‌پردازد و بعداً در بخش فسی رادیو و تلویزیون و سپس در شرکت معادن سراب شروع به کار می‌کند.

رفیق مشدی مسئول شهری نیم جنگل بود که به اتفاق رفقا فاطمی و معینی عراقی در بهار فعالیت می‌نمود. در ۱۲ بهمن ۴۹ توسط پلیس دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های زیاد در ۲۶ آشفد ۴۹ به اتفاق ۱۲ تن دیگر از رفقا توسط دژخیمان رژیم ماه سپتامبر بدست آمدند و راهی آبادان شدند.

اعترافات شهید را که عمیقاً محو نشدند و در دسترس است. در بهار کربل و رهبری خود و با راستی در آورد. اما مگر شکنجه، سرور، همان -

در بعضی ذرا حاشیه‌ها و ادارات حتی تا ۱۵ روز از حقوق کارکنان و کارمندان را سببوان کم‌کم به کمک می‌نمودند. برای اینکه صدای اعتراضی بلند نبود، باز هم دادستانی و تمام مراجع با صدور اعلامیه‌های کوناگون، اقدام مستعربانه‌ای و بعضی و هر نوع اعتراض را در "سراپ" جنگ "ممنوع و در خدمت" مداخلات خواندند. ولی سراسر زندگی روزمره برای سببوان غیرقابل تحمل تر می‌نمود و سببوان دیگر حاضر به قبول این دروغ‌ها نمی‌شدند. نظایرات را سببوان و سببوان بهارها، کارکنان شرکت واحد، بهرگان سپیکسار - آواره، دانشندان صنایع نفتی، مینی و درگیری - های خیابانی در شمال و مبارزه، نور، بهار و سببوان بهرمانانه هر کردستان و نظایرات و اعتراضات آوارگان، صف، نوظهورهای رژیم را می‌نمود.

رژیم در مناطقی جنگ زده از اقدام سببوان شیطانی بوده‌ها برای مقاومت در مقابل عراقی‌ها زده و همچنان به خلع سلاح در جنوب و غرب کشور ادامه می‌دهد. از کمک نیروهای انقلابی به مرده مصیبت دیده از جنگ جلوگیری به عمل آمد. اخبار جنگ را "سببوان" کنترل و مابصورت می‌نموده، "سورای - عالی دماغ" بصورت ارگان سانسور و بی‌توجهی در ترابری جنگ از جانب کمیته بوجود آمد تا سیاستهای فدائیان رژیم را بهتر بتوانند پیاده نمایند. همزمان با تشدید جنگ از جانب رژیم سببوان دخلفی عراقی ارتش و پاسداران مزدور، هوترتری و کشتار را در کردستان تا به گن اندازه گسترش می‌دهد که کشتار عام "ایندرفاش" به نامش "مارتا" و شمار سببوان و عشایر از آن تکرار می‌گردد. همراه با سببوان عراقی، کوهستانها و مناطقی کردستان هم به سببوان می‌نویسد. محل آوارگان جنگ را در شیراز می‌نویسد بورس قرار داده و تعداد زیادی از این مصردم سببوان را دستگیر نمودند. در اردوگاه سببوان جنگ زندگان حکومت نظامی سرفرار است و آندسته از سببوان که آواره شهرهای دیگر شده‌اند، از بدبختی و سببوان در وضعیت طاقب فرسایشی می‌نویسد.

در نتیجه رسد بحران و تعدادهای طاقبانی در حاشیه، اخبارات درون جنگ حاکمه رسد و کسبیر یافته است. سببوان، اس، و سببوان خنده‌گر برای حفظ سببوان و رژیم جمهوری اسلامی از دستگیری وارد شده و با نیان بگری از واقعات ولی به شکل کاملاً رنگ نابخده، می‌نویسد.



جریک فدائی خلق

رفیق شهید غفور حسن پور اصل

رفیق غفور حسن پور در سال ۱۳۲۱ در لاهجان بدنیا آمد و در سال ۱۳۴۱ به دانشکده پلی تکنیک تهران وارد شد. او یکی از پایه گذاران مبارزات دانشجویی دانشکده پلی تکنیک است. رفیق حسن پور در سال ۲۲ با گروه حزبی همکاری میکند و پس از خرابه خوردن این گروه رفیق حسن پور به کار باسازی معدن آن مسی پرداخت. رفیق حسن پور از اعضای مرکز تهیه جنگل شد.

در سال ۱۳۴۸ پس از دستگیری گسترده فلسطینی، پلیس نسبت به رفیق حسن پور حساب بردار کرده و بالاخره در ۲۳ آذر ۲۹ در رامسند با اعضای دستگیر میشود. و پس از شکنجه های بسیار در ۲۶ اسفند ۴۹ به اصفهان ۱۲ تن دیگر از یاران توسط دژ حسان حکومت دست سارنده ساه شیرباران شد.

پس از آن با امدادان راهی باغدار میشاید در برابر ارسن مدخلی که به سرکوب

داری، نفسین عقابند، گزاسی و... مسائل جدیدی هستند؟ مسلماً خیر. بسی صدر فرمانده کل شورای سرکوبگر کردستان و سرکمن صحرای و اسن فاسل دانشوران شهید دانشگاهها و عضو شورای ضد انقلاب هرگز نمیتواند سابقه خیانت و سازش با امپریالیسم آمریکا از طریق طرح امیکویسیسم مسائل از ادهار مردم پاک گرداند. بسی صدر با اظهار "همدردی" با توده ها میخواهد همسان فریب و خیانتی را که او و تمامی سردمداران رژیم در مورد خلق بکار بستند دوباره بکسار گیرد. اما زحمتگشان و خلقها بخوبی بی سینه ماه صبا و بقیه حاکمیت عمارتتار، سوده اند. بسی صدر اگر در شرایط کنونی به فراغ مردم آمده و در سخنرانیهایش از "سرکوب توده ها" صحبت میکند فقط به منظور حفظ سیستم و تخفیف تضادهای درون جامعه است. او با وعده و وعده های پیسوج میخواهد مردم را به آرامش و صلح بپورزوری، وایسته بکنانند. بسی صدر و یارانش علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد هدف دیگری هم دارند و اینستکه میخواهند از نیروی توده ها بویعدیه جناح دیگر حکومت یعنی حزب بی نیروی جمهوری اسلامی استفاده نمایند. اما بشی صدر و "سرادارانش" آرزوی تکرار دوران "هوش فایام و نهاده سیستم امپریالیستی را به گور خواهند برد. تاریخ هیچ هیگاه دوبار تکرار نخواهد شد.

آندسته از نیروهای صادق و انقلابی کسه آگاهانه با ناآگاهانه، عملاً با در تشریح، در شرایط کنونی جهت حرکتگشان با بسی صدر، همسوات و در یکده قرار گرفته اند، باید بدانند که آت به اسباب خلق میبریزد. در نظر خلقهای مساب بسی صدر، یارزگان، قطب زاده و بزدی به همسان اندازه، بهشتی و رفستمانی و "ولایت فقیه" در سازش و خیانتی که صورت گرفته و میگردد، بهیم اند. پس نیروهای واقعا انقلابی و اصیل بهیای امید واهی به این جناح با آن جناح از هیستمت حاکمه، میباید بر تکیه گاه واقعی شان یعنی خلقهای انقلابی ایران، تکیه زنند.

در شرایط بحرانی حاکم و جنگ غیر عادلانه دو دولت و رشد و افراشت فشار و سرکوب فلسطینی، تنها یک راه در مقابل انقلابیون و خلقهای مبارز باقی میماند باشد که هم جنگ را از شکل غیر عادلانه خارج نموده و هم پیروزی خلقها را در نبرد با امپریالیسم و سگهای زنده یورش بیناسارت دهد. می نباید تقاومت توده های را سازمان داد.



جریک فدائی خلق

رفیق شهید محمد هادی فاضلی

رفیق شهید هادی فاضلی در سال ۱۳۲۳ در فیروزآباد فارس متولد شد. او در هنگام تحصیل در دانشکده پلی تکنیک تهران فعالیتها را در مبارزات دانشجویی شرکت میکرد و در سال ۴۵ در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. او پس از گذراندن دوره سرمازی، در اداره آب و برق استخدام شد.

وظایف رفیق فاضلی در ارتباط با رفقای جنگل فعالیت در شهر بود. او در جریان معاهده بانک ایران و انگلیس شرکت داشت. رفیق فاضلی در ۱۲ بهمن ماه سال ۴۹ بازداشت شد و سپس در سپیده دم روز ۲۶ اسفند سال ۴۹ به اتفاق ۱۲ تن دیگر از جریکهای فدائی خلق ایران به خوخنه اعدام سپرده شد و گلولههای آمریکایی سینه پاکس را شکافت.

پادشاه وادان، راهش پادشاه.

بودهها میبردند، ارستین بودهای بوجود آید تا بهسها هرگونه بهاحم امیربالینسی را از خارم مررها درهم بکنند. بلکه مهمتر از آن بهاحم و سوطههای امیربالینسی را که در درون مرزها و سوط حکومت، وابسته بر علیه خلق صورت میگردد به نکست، بکساد و این در واقع چیزی جز ادا مسه راهی که رفقای ما از جنگلهای سپاهکل آغساز نمودند نیست.

ما ایمان داریم راهی که با شلیک اولین گلوله در سپاهکل آغاز شد، تنها راهی است که امر آزادی خلق را تضمین میکنند. پسوانه ایمان ما بهرسه ده سال مبارزه خونین است که خلقهای مبارز ما بر آن مهر سایید زدند.

امروز ما اعتبار خون هزاران شهید در فیمای بهمن ماه، مبارزه خدا میربالینسی رس و دامنه هرچه بیشتر بافته و مبارزه مسلحانه وارد مرحله بودهای گردیده است. بنابراین مسئولیت روشفکران انقلابی در قبال این جنبش سنگین تر از گذشته است. هر انقلابی باید با همه توان خود و با نثار خون خویش این راه شکوهمند را به پیش ببرد. از همین روست که ما جریکهای فدائی خلق همانطور که بارها اعلام کرده ایم، اکنون نیز در سالروز این دو روز تاریخی در پستگاه خلق خود اعلام میکنیم که راه پرشکوه سپاهکل را تا آخرین قطره خون خود ادامه بدهیم داد.



بسمه ار صفحه ۲

به فلسطین بازگشت. در اوائل سال ۴۹ رفیق محمددا" بهایران بازگشت و رهبری عملیات جنگل را بر عهده گرفت. تیم کوه پس از ششماه عملیات شناسائی بدلیل دستگیری رفیق حسن پور در شهر در تاریخ ۱۹ بهمن ۴۹ به پایگاه سپاهکل حمله کرده و پس از خلق سلاح پایگاه و اعدام عناصر مدخلتی به کوه بازگشتند.

رفیق صفائی چند روز پس از حمله به پایگاه سپاهکل در روستای "چهل ستون" توسط کدخدای و تعدادی روستائی با آگاه پس از روزهای متعددی نبرد فیرمانانه دستگیر شد. طبق آنچه که رژیم اعلام کرد رفیق صفائی در مهرگماه ۴۹ اسفند ماه به اتفاق ۱۲ جریک فدائی توسط سگان زنجیری امیربالینسم شیرباران شد.

پادشاه وادان، راهش پادشاه.

بسم الله

زندانیان سیاسی هوادار جریتهای فدائی خلق ایران

بسم الله یازدهمین سالگرد رستاخیز سهاکل

با درود به شهدای سهاکل که با ساربان خود، بقله عدلی در مبارزات جلیلهای میهنمان و جنبش کمونیستی ایران بیخود آوردند. یازدهمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه را در حالی سپه بوده‌های رزمکن میهنمان سیریک میکوشیم گسه رژیم کمونیستی میهنما بد با جاذبه کسان را که آغازگر این جنبش نوین بر علیه امپریالیسم بودند، معو کرده و ادامه دهندگان راه آنان را بهمان شیوه‌های آریا مهری بهرستان امکنده و با به جوجه اهدام مییارد.

سید ار کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و سرکوب و جنبش سوده‌ها و خیانت و فرار رهبران سازگار حزب سوده و شهاکدانشین سوده‌ها در مقابل کودتاگران، جنبش مردم دجسار سرخوردگی و رکود شد و بدنبال آن غارت هرجه سیدمر سوده‌ها توسط امپریالیستها و سرکوب آنان ادامه یافت. در ادامه سیاست فارتیکرانسته امپریالیستها، امپریالیسم آمریکا با به اجراء در آوردن رژیم ارضی شاه، سیستم سرمایه‌داری وابسته را در ایران حاکم گردانید تا بتواند به استعمار هرجه سیدمر رهنمکان و امپریالیست باارزهای جدید برای خود دست یابد. بدنبال حاکم شدن سیستم سرمایه‌داری وابسته و تفویض دیکتاتوری لارم برای حفظ آن و تکلیف میسام ۱۵ خرداد ۴۲ عملاً تا توانی شیوه‌های کهنه و سرفه سیاسی و مخالفت آمیز برای سوده‌ها و نیروهای انقلابی مسلم گشت. نیروهای انقلابی با استعاده از سهریه جنبشهای رهائی بخش و تحلیل خابی از ساختارهای - اجتماع ایران، شیوه نوینی از مبارزه را برای جنبش سوده‌ها و به خصوص جنبش کمونیستی در پیش گرفتند که با حرکت سهاکل، "جریته آرامی شاه" را که به پایگاه فدائیان کمونیست منطقه مبدل گشته بود به جلد انداخت و به جهت انقلابی منطقه باری رساند. هدف اولیه نیروهای پیسار و انقلابی و در راه آن جریتهای فدائی خلق ایران از مبارزه مسلحانه‌ای که از سهاکل آغاز شد، در ابتدا به‌رای وارد آوردن مرسات نظامی بر دشمن، بلکه برای وارد آوردن فرسات سیاسی بر دشمن بوده و اینکه به خلق و انقلابیون

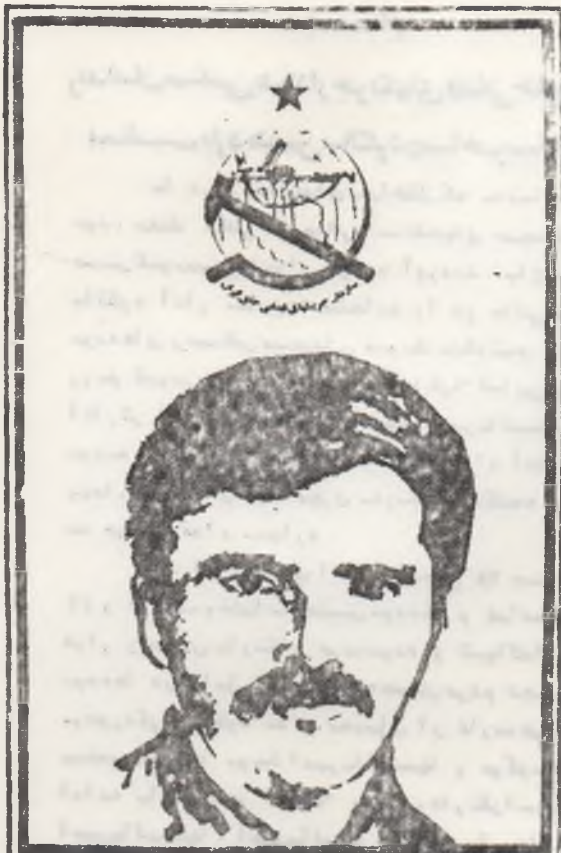


جریته فدائی خلق

رفیق شهید عباس دانش بهزادی

رفیق دانش بهزادی در سال ۱۳۲۱ در شهرستان بیدیا آمد و پس از اتمام دوران دبیرستان به استعداده دامپرستی تهران رفت. رفیق در دوران تحصیل حرو فعالین مبارزان دانشجویی بود. رفیق دانش بهزادی از اولین اعضای دسته محک بود و در جریان عملیات سهاکل به همراه چهارتن دیگر از رهبا بر سر یک اسباب آدومه لو رفه، به‌صورت درآمد و به‌مدار جهل و هشت ساعت تهرود دلاورانه در اثر ترابط با صاعد از پای درآمد و دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های بسیار در ۲۶ اسفند ۳۹ به‌ایهای ۱۲ سس دیگر از رهبا توسط دزجیمان درنده‌خوی رژیم وابسته به امپریالیسم سیربازان شد. پادشاهان، راهت بایدار.

فدرت واقعی آنان را نشان داده و راه راستین مبارزه را پیش پای آنها بگذارند.



جریک فدائی خلق

رفیق شهید هوشنگ تیری

رفیق هوشنگ تیری در سال ۱۳۲۷ در شهرستان لاهیجان متولد شد. او دوره سربازی خود را در یکی از روستاهای استان حرم آباد بسواں سپاهی دانش گذراند. او در این زمان در کار سازمان دهی به رفیق علی اکبر مفاشی فراوانی کمک مینمود و همراه رفیق مفاشی چند بار به خارج از کشور سفر کرد و بعدها در ایجاد ارتش باط و تدارک اسلحه برای رفقای جنگل کوشش بسیار نمود.

در حمله به پاسگاه سیاکل رفیق از ناحیه دست زخمی شد و برای نجات جان او بود که رفیق مفاشی و رفیق حلیل انفرادی با اتفاق رفیق تیری از کوه پاشی آمده و دستگیر شدند. رفیق تیری پس از تحمل شکنجه های فراوان در ۲۶ اسفند ۴۹ به اتفاق ۱۲ تن دیگر از یاران توسط دژ خیمیان رژیم وابسته به امپریالیسم سربازان شد. پادشاهان ، راهزن با پادار .

با شروع مبارزه مسلحانه و سالهای بعد از آن جدایی از جاست نیروهای اپورتونیست و بخصوص حزب خاشن بوده و محفل های روشنفکری خارج از کشور شروع شد و این نیروها سفیسی نمودند تا صحت مبارزه مسلحانه را رد نمایند و مبارزه مسلحانه را به صورت "سیی جریکی خداز" بوده " تبلیغ کرده و با رد آن موجودیت خود را اعلام و بی عملی خود را با اثبات رسانند. بعد از اینکه جریکهای فدائی خلق طی فریادی که به رژیم وارد کردند، خود را به عنوان یک سازمان سیاسی - نظامی در جامعه تثبیت نمودند و تلاش اپورتونیستها در حمله به مبارزه مسلحانه از بیرون سازمان به شکست انجام میدهد این بار سفیسی کردند تا با نفوذ نظرات اپورتونیستی خود به درون سازمان ، نظریات انقلابی جریکهای فدائی خلق را از درون مورد حمله قرار دهند. فکسف شوریک و بسط دادن تئوری مبارزه مسلحانه از طرف کسانی که بعد از شهید شدن رهبران اولیه سازمان در رهبری سازمان قرار گرفتند و بهر کردن کادرهای سازمان به بینش افشی مسلحانه نبود نظریات اپورتونیستی به داخل سازمان را سریع کرده بطوری که بعد از فریاد سال شاهد انشعاب عده ای از سازمان و پیوستن آنها به حزب خاشن شده هستیم. بعد از شهادت رهبر ان سازمان در سال ۵۵، سازمان دچار بی عملی کامل شده و به فکفرت مدعی انقلابی توسط غامبین نام سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و بدنیال تغییر نظرات سازمان از نظرات رفیق کبیسر احمدزاده به نظرات شهید جرسی، بطور کلی به رد مبارزه مسلحانه رسیدند و در جریان مستازرات مردمی و پس از قیام خیابان پشمکی خود را هر چه تمامتر آشکار نموده و راه سازش با حاکمیت سربرده جدید را در پیش گرفتند.

با توجه به عملکردها، مدظقم حاکمیت وابسته به امپریالیسم که روز بروز شده های زخمکش میهنان را به فقر و فلاکت بینشسری میکشاند و سرود تا دیکتاتوری را به همسان شده سابق حاکم گرداند، وظیفه تیرووه های انقلابی ، سازماندهی مسلح نموده ها بر علیه امپریالیسم و سگهای زخمیریش میباشد. ما اعلام میکنیم که جریکهای فدائی خلق ایران را پیوندگان راستین مشی انقلابی و گذشته سازمان میسایم و مشی سازشکارانه و خیانتکارانه جریان " کار " (اکثریت) را بر علیه منافع

رحمیتکشان و در راستای آن ملت را زارگر بداندیم
 ما هواداران جریکهای فدائی خلق ایران از درون
 زندانیهای روسم جمهوری اسلامی فریاد میزنیم که
 با ستم سرمایه داری و استبداد حاکم است، دهر -
 سدایلاتی بعنوان اساسی برین روس سرکوب حکومت
 وجود خواهد داشت و تنها راه ناسودی سلطه
 امپریالیسم و ستم سرمایه داری و استبداد
 پارامیلهای مسلح بوده ها و مبارزه مسلحانه
 بوده ای میباشد.

سپس نسوی پارامیلهای مسلح نبوده ها
 رنده بساد میسازد، صلحنامه که
 نمهاراه رسیدن به آزادی است!
 مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

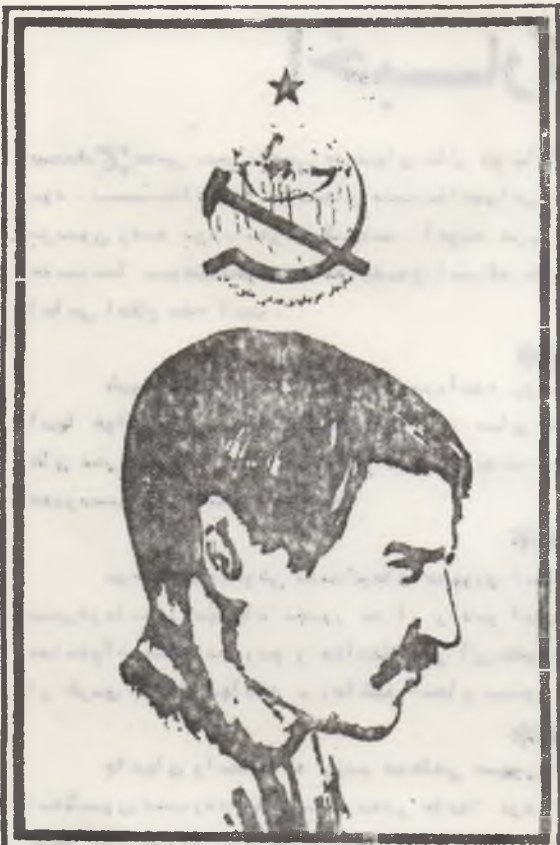
با ایمان به پیروزی راهبران
 زندانیان سیاسی
 جریکهای فدائی خلق ایران ۵۹/۱۱/۱۸

محمد استیادها :

ما در خبرنامه شماره ۲۵ در گزارش جنگ
 جنوب نوشته بودیم که "بعد از مدت بیانی جنگ در
 آبادان، تنها کارگران آتش نشانی پالایشگاه بطور
 مرتب در کار حاضر میشوند".
 یکی از رفقای کارگر ما اطلاع داده است
 که درج غیر بدین شکل صحیح نبوده زیرا کارگر
 ان حمل و نقل، آب، برق و تعمیرات حمل و
 موبیا" سرکار حاضر میشوند. رفیق کارگر مستی
 معتقد است که حاضر شدن این کارگران در شرایط
 جنگ بر سر کار، نشانه استعمار وحشیانه ایست
 که حکومت نسبت به این کارگران روا میدارد.

در خبرنامه ۴۵ در خبری از روستای
 "حمید" قائم شهر نوشته بودیم که دانش آموزان
 مدرسه بخاطر همکاری با جنبش خلق در سال ۵۷
 خواستار بستن مدرسه بودند. رفقا در مدقوری
 که سما داده اند خاطرتان کرده اند که ایست
 خواست جوانان روستای "حمید" بوده است.

رفیق جلیل در ۱۶ اسفند ۲۹ همراه با ۱۲
 تن دیگر از جریکهای فدائی خلق ایران توسط
 رژیم مزدور سربازان میشود.
 پادشاهان و راهش پایدار.



جریک فدائی خلق

رفیق شهید جلیل انفرادی

رفیق جلیل انفرادی در سال ۱۳۱۹ در
 سراز در خانواده ای کارگری بدینا آمد و حدود
 سیز کارگری رهیب، کارگری مبارزه کرد و در را
 آرمانهای طبقه کارگر به شهادت رسید. رفیق
 جلیل از ۱۲ سالگی بکارگری مشغول شد و در کار
 خاهاست "شعله جاو"، "بچهال سازی ارج" و
 "جنرال استیل" کار کرد. او سپس به اشتقاق
 جریک فدائی خلق اسکندر مادی سواد دبیر
 بددیگای فلزکاران و مکانیکها شد. رفیق
 جلیل پس از سالها مبارزه زندیکاشی در سال
 ۴۸ به رفیق جنگل پیوست. او از اولین افراد
 سرکت کتمده در دسه جنگل بود. رفیق جلیس
 سپس در جریان رزم دلاورانه جریکهای فدائی خلق
 در جنگهای ساهکل همراه رفیق محروح در یکی
 از روساها غافلگیر شده و دست دزجیمان رژیم
 دستگیر میشود. او را زندان کنجه میکنند اما
 رفیق دلاورانه در مقابل آنان میایستد.
 رفیق در سنون مقابل

اخبار کردستان

ممنوعه: مدنی بیست منقضی خدمت‌های سال ۵۶ با دگان سندخ که مدت سه ماه خدمتشان به پایان رسیده بود، نسبت به ادامه خدمتشان دست به اعراض زده و آخوندی را که برای جوابگویی به آنها بوسیله پرسپون رفته بود، به زیر کشیدند. آخوند مزبور در مقابل اعراض سربازان کهنه بود که ادامه خدمت شما بموجب صورتنامه جدیدی است که طبق ماده مربوط به خدمت افراد اجنات صادر در قانون اساسی اصلاح شده است.

طبق اطلاعاتی که اخیراً بدست آمده رژیم، جاهای خودمروجهت مهیاد را حلیم‌سلاح کرده و از آنها خواسته که بجای اینکه به حبس و محارم صلح شوند، در این میان تنها ۶ تا ۷ نفر از جاس‌های معروف مهیاد از حلیم‌سلاح مستثنی شدند. جاهای مهیاد هم‌اکنون در اداره علمه واقع در محله مهربانین گمرک مستقر هستند.

برخلاف باورهای بلندگوهای جمهوری اسلامی در مورد موفقیت در سرکوب تداوم‌یابی حلیم بیست‌هزار مهیاد مجبور شد از رادسو این شهر اعلام کند که: چون ما به جاده مهیاد - مهاباد تسلط نداریم و ضابطان در آن نفوذ کرده، ما این جاده را بسته‌ایم و تمام رفت و آمدها از طریق جاده مهیاد - هاشمیه انجام میشود.

جاهای وابسته به رژیم ضدحلیم جمهوری اسلامی در مهیاد سه حلیه جدیدی برای سانسازی انقلابیون دست زده‌اند. آنها به در جاده مردم مبارز مهیاد رفته و میکوشند که ارکان یا حیرت - نامه فلان سازمان را برای سانسازی آورده‌ایم و اگر با سانساز مهیاد حاجت‌میرز رو برو شوند حاکم را سانسازی کرده و روز بعد به آنها می‌بریزند و پس از تعیین‌اکر جوانی در خانه ناسد، دستگیر کرده و با خود می‌برند.

در پی پاکسازی و برکناری کارمندان مهیاد گروهی از پاسداران مرجع بجای آنها متعول بکار شدند. تا به حال که بدستال بازگشتی مدارس مهیاد این مردوران بجای معلمان پاکسازی شده به سر کلاسها خواهند رفت.

در روز ۵۹/۱۰/۱۲ یکی از مسئولان کومهله سنام احمداحمدی (احمد عباسی) که توسط جاس‌های خودمروجهت مهیاد سانسازی شده بود توسط سپاه پاسداران دستگیر و بلافاصله سربازان سانساز اقدام ناکهانی به شهرک کومهله باردیگر حتم و نفرت مردم انقلابی مهیاد را برانگیخت.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۹ دو به‌شهرک کومهله شدی بود در شهر مهیاد سه جوجه اقدام سرده شدند. این دو به‌شهرک عمر ۵۹/۱۰/۱۸ در محل "باغ میکاشطی" توسط جاس‌ها سانسازی شده، مورد تهاجم سانساز پاسداران قرار گرفته و دستگیر شدند. اقدام دو به‌شهرک که یکی از آنها در موقع دستگیری نسبت رجمی شده بود، عزم خلق کرد و پیتا هکاشرا در مبارزه با ظلم و ستم استوارتر مبارد.

همایب مادی و معنوی مردم مبارز کردستان از به‌شهرک‌ها هفت حاکمه را وادار ساخته تا به حلیه‌های جدیدی برای جلوگیری از کمک مردم به انقلابیون و سانسازی آنها دست‌برند.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۸ در مسجد مهیاد اعلام شد که بدلیل بیخس ۱۳ هزار سهمیه، تعلیمی و آرتا که مردم این شهر با دادن اسامی اضافی و گرفتن سهمیه بیش از نیازشان به به‌شهرک‌ها کمک می‌رسانند، مسئولین تصمیم گرفته‌اند برای دادن سهمیه به جاده‌ها رفته و بنا بر تعداد افرادی که

در خانه حضور دارند، بد آنها سهمیه بدهند. اما مردم بسیار مهاجد پس از مدتی مجبور گشتند. سر سبجه گرفتند که این اندام رزیم برای شناسایی خانواده‌هایی است که فرزندان آنها در غیاب سوسیالیست‌ها می‌جنگند و بهترین دلیل با این تصمیم مخالفت کردند. یکی از اهالی مهاجد میگفت: اگر اینها میخواهند به ما ازران عمومی بدهند دیگر به خانواده‌ها دارند. این فقط بهانه‌ای است که بوسیله آن جوانان مبارز ما را شناسایی نمایند.

بناظر حمله پاسداران و ارتش در روز ۵۹/۱۰/۲۰ سه مردم بیگناه مهاجد دو نفر از ساکنین شهر که یکی از آنها زن بود، به شهادت رسیدند. ساعت ۹/۲۰ دقیقه صبح این روز پاسداران صندلی‌های خود فروخته در چهارراه آزادی از ماشین پیاده شده و شروع به سراندازن هواشناسی کردند. دکانها در عرض چند دقیقه بسته شدند و مردم برای درمان مادران از حمله مردودان به خانه‌های خود پناه بردند. به مدیریت مدای نیراندازی از کوسه و کنار شهر که از محل‌هایی کشته ارس و سپاه پاسداران مسخر هستند، بلند شد. مردودان رزیم که همیشه بهانه حمله به مسخر-کها، شهرها را مورد هجوم قرار میدادند این بار بدون هیچ بهانه‌ای شهر مهاجد را به کلوله و چهاره، سوپ و کالیبر ۵۰ بستند. نیراندازی در ساعت ۱۰/۵ به اوج خود رسید و در جریان آن سس خانه مورد اصابت چهاره قرار گرفت و خسارات زیادی به بار آمد.

از وقتی که ارگان‌های سرکوب امپریالیستی در شهر مهاجد مستقر شده‌اند، مردم مبارز این شهر هر روز شاهد اعمال جنایت‌ناکی از طرف این ارگان‌ها میباشند. مردودان مدیونانه میکوشند با این اعمال‌های رعب و وحشت در سطح شهر ایجاد نمایند.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۷ پاسداران مردود و جاس‌های خود فروخته دو نوجوان را که ساعت ۷/۵ و ۸ صبح جهت خرید نان و کپسول گاز از خانه خود بیرون آمده بودند هدف کلوله قرار داده و آنها را به شهادت رسانیدند. نوجوان اولی بنام امیر شهراسی ۱۲ ساله بود. پاسداران بعد از به شهادت رساندن امیر نارنجکی در جیب او گذاشته بودند تا به مال خود جنایت خود را برای مردم بسیار مهاجد توجیه کنند و آنرا عمل دفاعی جلوه دهند. ولی در مورد شهادت نوجوان دیگر سس کارسبر مبادرت نکردند. شهادت این دو نوجوان حتم انقلابی خلق رزمنده کرده بخصوص مردم مبارز مهاجد را هرچه بیشتر برانگیخته است.

روستای صومای ((۸۰ کیلومتری ارومیه))

رزیم جمهوری ایلام مانند هر دولت فداخلفی سازمان امنیتی برای بقای سیستم خود ایجاد نموده که بارها فرزندان زحمتکشان را شناسایی و مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار داده و میدهد. نمونه‌های زیر گوشه‌ای از برخورد رزیم با روستاییان زحمتکش میباشند.

۵۹/۱۰/۸ - دو نفر از دهقانان صومای جهت تعمیر تراکتورهایشان به شهر میروند. تراکتور خود را در گاراژ گذاشته و دستمزد تعمیرکار را میپردازند و قرار میشود هنگامی که بازگردند آنها را تحویل بگیرند. آنها در شهر توسط مأمورین دستگیر و همراه ۴ تن دیگر از اهالی صومای به ساواک فعلی " کمیته " برده میشوند و بلافاصله عملیات پیروزمندانه پیغمبران به جا میدهند. نماهای شولکول " روستای سلماس " به سلماس فرستاده میشوند. آنها پس از چند روز بدلیل فداخلفان با اصطلاح مدرک حرم آزاد میشوند. هنگام مراجعت به کاراز برای تحویل تراکتور متوجه میشوند که موتور آن‌ها بعلت عدم تحویل در سرومعد و هوای سرد زمستان از بین رفته است. آنها که بسیار اسدوخته خود را بیصواب دستمزد داده بودند با حتم و نفرت به روستایان بازگشتند. برای آن مردانیان که چگونه روستاییان را کشت کردند.

۵۹/۱۰/۱۲ - یک روستایی از صومای را بحرم اینکه نتوانسته بود بگوید محل نگهداری تراکتورهای خود را در اختیار حزب دمکرات میباشند، گذاشت، دستگیر کردند. اینگونه اعمال خود اید رزیم جمهوری ایلام، قبل از آنکه موجب ارباب دهقانان شود، آنها را برای مبارزه جهت سوسیالیستی حواسدهای عادلانه‌شان مصمم تر میسازد. ایستادگی‌ها و بررسی روحیات دهقانان صومای بهر جهت.

((پيروزی حکومت جمهوری اسلامی یا پیروزی ریگان؟))

اکسپوز دیگری نمایش کروکاسها به پایان رسیده است. کارگردانان و بازیگران این نمایش در "لما" در فکر بروی صحنه آوردن نمایش دیگری هستند. اما نمایش فریب‌خور تمام شده است. ریسا صاحب رژیم جمهوری اسلامی و عمال پیشروم آن - جریان "محط" کار" و اربابان "توده" ای - همان دو موری نمایشند. ما در خبرنامه‌های گذشته و همچنین در چندین حروه و اعلامیه، جداگانه اربابان همدا گفتیم که این ماجرا تنها یک بازی سیاسی است: بازی جناحهای حاکم امپریالیسم و پادای آنها در ایران. و پایان ماجرا درست‌نابود چندباره‌ای است برابری موضع. نمایش حساس نظم شده بود که در اولین ساعتهاش که ریگان به عنوان رئیس جمهور آمریکا به کاج سفید وارد شد، کروکاسها آزاد شدند و درست چند ساعتی پس از سوگند خوردن ریگان هواپیمای حامل کروکاسها فرودگاه تهران را ترک کرد. این پایان ماجرا بود، اما بدست‌نکنه‌ای را هم در اول ماجرا بیاد خواننده بیاوریم که آغاز نمایش را نشان میدهد.

در همان روزهای اول کروگانگیری در یک محاسبه مطبوعاتی، خبرنگاری از کارتر سؤال کرد شما که خود در محاسبه جدیدی پیش‌گفته بودید که چنانچه شاه ایران به آمریکا وارد شود، احصال کروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران وجود دارد، و در محافل سیاسی مطرح شده بود کسه خواهان ورود شاه به آمریکا است و شما با این مسئله مخالفت کرده بودید، چگونه اماره دادید شاه به آمریکا وارد شود، و کارتر رندانه از دادن پاسخ طفره رفت.

در این زمینه میتوان به رابطه گمشده و راکفکر با شخص شاه نیز اشاره کرد. یکی دوسالی مانده به آخر عمر حکومت شنگین پهلوی، شاه نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار از جیب مانشاتان بانک نیویورک که راکفلر جزو سهامداران اصلی آنست وام گرفته بود این وام را شخص شاه گرفته بود، به دولت و مراحل قانونی آن یعنی تصویب مجلس با دریافت این وام طی شده بود. طبیعی بود که پس از انقلاب، جیب مانشاتان بانک هیچ ادعایی علیه دولت جمهوری اسلامی برای بازپرداخت وامی که به شاه داده بود، نمیتوانست داشته باشد. با آغاز ماجرای کروگانگیری، کارتر در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹، دستور بلوکه کردن منابع ارزی و دارایی‌های ایران را صادر کرد. تاریخ پرداخت اولین قسط وام شاه به جیب مانشاتان بانک نیز ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹ بود. طبیعی بود که این قسط پرداخت نشد و شاه بلوکه شدن منابع ارزی ایران، جیب مانشاتان بانک نیز ادعای خسارت کرد. و در پایان ماه‌ها، جیب مانشاتان نیز به پول خود رسید، زیرا بخش اعظم دارایی‌های بلوکه شده ایران طبق قرارداد دریافت نامه‌های الجزایر صرف بازپرداخت دیون ایران به بانکها و شرکت‌های آمریکایی و غیرآمریکایی و از جمله جیب مانشاتان بانک شد و بدین ترتیب، دولت جمهوری اسلامی بایست وامی که شاه بطور خصوصی از جیب مانشاتان بانک دریافت کرده بود، از "کیسه خلیفه" بخشیده و آنرا پرداخت نمود.

بهرحال از چهار شرطی که مجلس شورای اسلامی برای آزادی کروکاسها قائل شده بود چیزی باقی نماند. ما در اینجا به مسائل حقوقی و دیپلماتی این شرایط و چگونگی اجرای آن کاری نداریم. چرا کوس رسوایی رژیم جمهوری اسلامی پیش از آن بلند شده است که نیازی به توضیح داشته باشد. برای جناح حاکم در تبادلات با "مکتبی‌ها" نهد کافی از این مسائل حرف زده‌اند. فقط بیسیستم از نظر دارایی‌ها و منابع ارزی، آمریکا چه تمهادهای سپرده است و دست‌آخر "این پیروزی طایم" بقول روزنامه، حزب حاکم، چگونه پیروزی است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران جمع دارایی‌های ادعایی ایران از آمریکا را ۲۴ میلیارد دلار اعلام کرده بود. بعداً بهنگام موافقت‌نامه اعلام شد که این رقم حدود ۱۲ میلیارد دلار است و از این رقم هم آمریکا تنها ۲/۸ میلیارد دلار را به بانک اسکلیس سپرده است. سعی رقم قطعی بهنگام آزادی کروکاسها آنهم در بانک اسکلیس از طرف آمریکا حساب بانک مرکزی الجزایر واربر شده تنها ۲/۷ میلیارد دلار است. قطب از سربوشت‌بقیه، منابع و دارایی‌ها، هم آسای پیژاد نیوی اطلاع دارد و هم آقای راکفلر. اما آنچه که روزنامه‌ها و خبرنگاری‌ها در مورد سربوشت کلیه دارایی‌های ایران منتظر کردند، نشان دهنده ارقام زیر است:



دربارهٔ سیاهکَل

از مقدمهٔ کتاب "مبارزهٔ مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک" بقلم رفیق کبیر مسعود احمدزاده با با تجزیه و تحلیل شرایط ایران به این نتیجه رسیده بودیم که وظیفهٔ هر گروه انقلابی، آغاز مبارزهٔ مسلحانه چه در شهر و چه در روستا است. با این اعتقاد بود که جریکهای فدائی خلق دست اندرکار تدارک مبارزهٔ جریکی در شهر و روستا شدند. یک هفتهٔ مسلح جریکی سازمان داده شد و این هفته بهرمانندمی رفیق شهید علی اکبر صفائی فراهانی، رهبر جریکهای شمال شد. این هفته حدود پنج ماه بطور مداوم سراسر جنگلهای شمال را، از شرق مازندران گرفته تا غرب گیلان، درنور دیده، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و وضعیت جغرافیایی منطقه را بطور عملی شناسایی کرد و خود را با شرایط سخت زندگی در کوه و جنگل، با راهپیماییهای طولانی و غیره، در تابستان و زمستان، تطبیق داد. چنین شناسایی از لحاظ مدت و از لحاظ وسعت منطقه، تا آنجا که ما میدانیم، در هیچ کجای دنیا و در هیچ تجربهٔ جریکی مشابه، سابقه ندارد.

ما از ایجاد این هفته جریکی چه انتظار داشتیم؟ و چه امکاناتی برای بقای آن میدیدیم؟ همانطور که در متن مقاله تشریح شده، هدف از مبارزهٔ مسلحانه در آغاز، نه وارد کردن ضربات نظامی بر دشمن، بلکه وارد کردن ضربات سیاسی بر دشمن است. هدف اینست که به انقلابیون و خلق راه مبارزه نشان داده شود، آنها را از قدرت خویش آگاه گرداند، نشان دهد که دشمن آسیب پذیر است، نشان دهد که امکان مبارزه هست، دشمن را افشا کند و خلق را آگاه گرداند. ایجاد هفتهٔ جریکی در کوه هم، همین هدف را دنبال میکرد. عمل این هفته، نه تنها در سراسر منطقه، بلکه با توجه به نقش جریک، شهری برای جریک کوه در سراسر کشور انعکاس مییافت و بدین ترتیب نقش تبلیغی و سیاسی تعیین کننده‌ای در رشد جنبش انقلابی ایران بازی میکرد. امید دوباره‌ای به تمام مبارزین و تمام خلق میداد و بطور مشخص راه مبارزه را نشان میداد و بتدریج، هکامیکه در روستا پیوسته میگرفت و روستائی را بتدریج به خود جلب میکرد. آمادگی مییافت که در جنبش انقلابی یک نقش نظامی نیز ایفا کند.

بخش از صفحه قبل

۲/۲ میلیارد دلار سرمایه‌های ایران در بانکهای آمریکایی در داخل آمریکا، بخاطر مسدودها ادعای حقوقی از طرف مؤسسات و بانکهای آمریکایی تا ششماه دیگر آزاد نخواهد شد و به سه راهی دارگها و قوانین آمریکا موکول شده که در موافقت نامه الجزایر، دولت "مکتبی" جمهوری اسلامی رسماً حکمیت آنها را پذیرفته است.

از میلیاردها دلار دارائی ایران در بانکهای آمریکایی در خارج آمریکا، حدود ۵ میلیارد دلار برای باز پرداختن وامهای ایران که باید ظرف دهسال آینده بتدریج پرداخت میشدند، منطیسور شده و بدینگونه جمهوری اسلامی با یک اقدام "مکتبی" که بقول روزنامه "حزب حاکم" اقتصاد آمریکا را تکان داد، بیش از ۵ میلیارد دلار پولی را که باید در ظرف دهسال آینده پرداخت میشد، یکجا پرداخت نمود و لحال همه از جمله جیس مازنیان بانک نیویورک و آقای راکفلر و کیسینجر را راجد کرد. واقعا که پیروزی شگرفی بدست آمده است!!

جاودان باد

خاطرهٔ شهدای سیاهکَل

موسوی خورشیدی ها در ونگوست

جناب حجت الاسلام "راسکو" آقای موسوی -
 خورشیدی ها خطاب به نماینده کوبا گفت که در
 ایران احزاب و دستجات مختلف مخالف حکومت
 زاد هستند که روزنامه و نشریات داشته باشند
 فعالیت سیاسی آزاد بکنند

صفحه ۴
 شماره ۱۸ آذر ماه ۱۳۵۹
 اول صفر ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۱۶۲

کیمیا

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به سایر کوبا در ایران : مباران احزاب و دستجات مختلف مخالف حکومت آزاد

نشریات داشته باشند با نه.
 و بطور کلی آزادیها سیاسی مخالف
 رژیم کوبا آزاد است ؟
 سپس حجت الاسلام موسوی خورشیدی ها در
 رابطه با فعالیت گروههای سیاسی مختلف در
 جمهوری اسلامی ایران گفت :
 در ایران احزاب و دستجات مختلف مخالف
 حکومت زاد هستند که روزنامه و نشریات
 داشته باشند و فعالیت سیاسی آزاد بکنند و این
 به نظر شما این آزادی از لحاظ حکومتی یا از
 لحاظ مدنی جمهوری اسلامی ایران است ؟
 حجت الاسلام م

روابط موسوی مجلس شورای اسلامی اعلام
 کرد که از آن در ۱۹
 کوبا

و ما در سالروز قیام ۲۱ بهمن تنها به
 کوشش های ، فقط به کوشش های از آنچه که بطور رسمی
 (و نه غیررسمی) در روزنامه ها درج شده است ،
 نگاه می نمایم تا نشان دهیم که حجت الاسلام
 موسوی خورشیدی ها در ونگوست .

کیمیا

بامداد

صفحه ۴
 شماره ۱ شهریور ماه ۱۳۵۹
 دوازدهم فروردین ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۰۷۵

بناظر دادستان انقلاب
 فعالیت مجادینان
 فعالان ، بیکاریها
 و حزب توده در
 آبادان و خرمشهر
 ممنوع شد

سه هفته بعد از بهشت ماه ۱۳۵۹ - قیام ۲۷۰ صفحه ۱۱

دانشان کل انقلاب با انتشار اطلاعاتی اعلام

کسانیکه با نشریات غیر قانونی همکاری کنند مجازا که

هی شوند

خطار شدید دانشان کل انقلاب به
 کلمه صاحبان چاپخانه ها، انبارها،
 گراورسازها، تمام سازها، رنگ سازها
 و کاغذ فروشها

صفحه ۱۱ کیمیا
 شماره ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۹
 دوم جمادی الثانی ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۹۷۶

ستاد احزاب و گروهها در دانشگاهها ظرف ۳ روز باید برچید میشوند

صفحه ۵ کیمیا
 چهارشنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ -
 ۷ جمادی الثانی ۱۴۰۰ - شماره ۱۰۹۸۰

دفاتر گروههای سیاسی در اکثر دانشگاهها
 تخلیه شد .
 صفحات ۲ و ۳

هرگز بود دغلیکاران و فریبکاران

گزارشی از روسای چالکش - حومه اشتر (تنگابن)

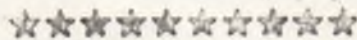
۶۵ خانسوار زحمکش روستای چالکش - حومه اشتر (تنگابن) که از مدتی پیش اقدام به تشکیل شورا کرده بودند با اتحاد خود موفق شدند حمله های مزدوران رژیم (همچون ظاهشی فرماندار تنگابن) را افسا کنند و مانع اشغال شورا شوند.

در اواسط آذرماه، روستائیان چالکش برای رسیدن به خواسته های برحقشان درمدم تشکیل شورای ده برآمدند. در انتخابات شورا ده نفر را کاندید کرده بودند که ۵ نفر آنها از وابستگان رژیم و ۵ نفر دیگر از عناصر آگاه و روشنفکر روستا بودند. مردم آگاه روستا با انتخاب ۵ نفر دوم (عناصر آگاه روستا) بی اعتمادیشان را بصورت طرداران رژیم نشان دادند. اما این حرکت مردم رژیم "برادران" خوش نیامد و آنها شکایتی تسلیم دادگاه کردند که تا آخر آذرماه بنسبتون نتیجه ماند.

روز ۵۹/۹/۲۹ ظاهشی فرماندار تنگابن (که از حمله امتحاراتش نوشتن کتابهایی بر ضد مارکسیسم است) برای وادار کردن مردم به تهدید نظر در انتخابات به روستای چالکش آمد. مردم برای شنیدن حرفهای فرماندار در مسجد جمع شدند. فرماندار نیز در تالابید و سرریفار کاندیدا های مکتبی شروع به سخن رانی کرد و گفت: " شما موظفید که از میان معتقدین به اسلام نماینده انتخاب کنید. نه از کسانی که فدائیان و توطئه چین هستند". مردم روستا که اعضای شورای روستا بودند کان واقعی خود میدانستند به حرفهای فرماندار اعتراض کردند و یکی از آنها در جواب فرماندار گفت: " ما انتظار نداشتم که جناب فرماندار نماینده اقلیتی انحصار طلب باشد. اینها (مذکور کاندیدا های منتخب فرماندار) حدود سی هزار تومان پولی را که برای مستخدمین آمده بود بیسبب بستگان خود تقسیم کردند. همین ها بودند نمایندگان ما. بیش از ۶۶ هزار تومان به انتقال می فروختند. چهار هزار تومان پول بیعوان "مستضعف" میپرداختند.

فرماندار که در مقابل گفته های منطقی این روستایی جوانی بیافت به حمله ای جدید متوسل شد و گفت که اهالی ده آهک چال (روستای مجاور چالکش که دارای مردمی ساده دل است) نیز باید در انتخابات شرکت کنند و رای بدهند. اما پیشتر به فرماندار که هدف آن طلب آرای روستائیان آهک چال و تفسیر رای انتخاباتی به نفع خودشان بود، ماهر شماری مردم اشتر شد. مردم در پاسخ فرماندار گفتند: " هیچ یک از افراد آهک چال حق رای در این روستا را ندارند. زیرا روستایی که دارای ۳۰ خانسوار باشد میتواند شورا مستقل انتخاب کند چه رسد به این شورا که ۶۵ خانسوار دارد". یکی دیگر از روستائیان نیز در ادامه اینطور استدلال کرد: آقای فرماندار لطفاً به قانون اساسی گوش دهید. در این قانون نوشته شده که نمایندگان شورا را هیچ مقامی نمیتواند سرکنسار کند مگر اینکه سایر نمایندگان تشخیص دهند که یکی از نمایندگان خوب کار نمیکند و اخراجش کنند. پس شورای ما به قوت خودش باقی میماند".

روستایی خوب میمانست که مزدوران رژیم هر جا لازم ببینند حتی قانون ساخته و پرداخته خود را زیر پا میگذارند. این جلسه تا ساعت ۱۲ همان شب ادامه داشت.



ساری

آریا برای کسی کدام یک از توده های بیسبب که رژیم آنها را بنام "مستضعف" مفتخر!! کرده، دارای چنین موجودی است؟ رژیم در فکر تالابید و دفاع خود است، منتها با بکارگیری عنوان مستضعف قصد بهره برداری تبلیغاتی دارد. در ضمن باید گفت کسانی که فیلا" زمینی گرفته بودند اکنون با اشکالات قانونی مراواسی روبرو گشته، سرگردان شده اند.

مدتی پیش عمران ارض شهر اعلام نمود که زمینهای معادله شده برای احداث ساختمان بیسبب مستضعفین!..... تقسیم میخورد. عده ای از مردم مراجعه و ثبت نام کردند. پس از مدتی قرار شد زمینها به "مستضعفین" واگذار شود بشرط آنکه آنها دهمترجه پس انداز، یا گواهی بانکی منجسی بر داشتن یک میلیون ریال داشته باشند.

لغو هرگونه تابع دولتی خواسته روستائیان زحمکش میدهن هاست

روستای لاکسار - صوبه سراسر

در خبرنامه شماره ۲۸ توضیحاتی در مورد روستای لاکسار و شرکت تخته گرگان آمده است. اینک در ادامه آن نمونه‌ای از برخورد آگاهانه روستائیان با نگهبانان این شرکت آورده می‌شود. نگهبانان این شرکت، بنا بر دستور که دارند، موظفند هر روستائی که اقدام به تصرف زمین‌های شرکت یا قطع چوب شرکت نماید، با همکاری ژاندارمری تحت تعقیب قرار دهند. نگهبانان در قبال اعتراض روستائیان می‌گویند: ما چه مربوط است دستور از بالاست. ما مأمور هستیم گزارش او را به پایگاه بدهیم. ولی دهقانان که خود را بحق میدانند، می‌خواهند زمینهای شرکت را کشت کنند و هم چوب شرکت را قطع نمایند.

گفتگوی زیر صحبتی است بین یکی از نگهبانان و کشاورزان در غروب پهنشنبه ۲۵ / ۱۰ / ۵۹ در فوره خانه.

نگهبان: چوبهای شرکت را قطع نکن. زمینی را که تصرف کرده‌ای، ول کن. صبر کن زمین وضع چی میشه!....

کشاورز: خواهش میکنم دیگه سر زمین من نیا. چون با هم فامیل و آشنا هستیم، بهت میگم یک‌جان بیشتر ندارم که اونم باید بمیرم. حالا خدای... و خمینی... فرقی ندارند. من ۸ تا بچه دارم، همتون هم مرا میشناسید من زمین دارم، نه مال. میخواهم این زمین را اصالت بکارم. اگه کشاورزی نکنم، پس چی کنم؟ برم دزدی؟..... مگر رهبر... نمیکه بیشتر بکارید، پس این کارا چیه؟....

یکی از کشاورزان که متوجه بحث این دو نفر بود، نگهبان را مداخله و گفت: چی شده؟... نگهبان: بابا این چوبها را قطع کرده و میخواهد زمین شرکت را باغ بزنه، تازه تو پایگاه پرونده داری، اگه کسی بخواد رسیدگی کنه زندانی میشه. البته تنها این نیست خبر... حد. ولی چون من با این آشنا هستم میگم دست بکشه و صبر کنه تا سحر وضع بطور میشه... امروز مهندس گفت طبق قانون ما اجازه داریم تمام زمینها را مشور بزنیم آخر صاحب شرکت ۲ میلیون تومان خرج کرده (همین شرکت در ترکمن صحرا زمین دارد).

نگهبان گفت: البته برای ۱۷ نفر الان اظهار فرستادند که یکی از لاکسار، بقیه از دهساز ساه درویشان "مهاور لاکسار" هستند. بطر این تفسیری ندارم. دستوره، حکومت به شرکت داده، شرکت هم به ما، من از روی مسابقتی خبرتون کردم تا به پایگاه نرید. کشاورز دیگر: مگر خمینی نگفت بیشتر بکارید؟...

نگهبان: خمینی چکاره است؟... اصل قانونه، حکومته که به شرکت اجازه داده به احتمال زیاد هم، زمینهای کشت شده پارسال را هم میگیرند (سال پیش نهر مردم مقدار زیادی از زمینهای شرکت را صادره و در آن کشت کردند) مگر به قانون جمهوری اسلامی رای بدادیم، پس باید تا بخش باشیم. خوب همون قانون به شرکت اجازه داده که...؟

کشاورز اول گفت: چه قانونی؟... قانون چه چوری بچه‌ها را سرکنیم، گهاست؟....

کشاورز دیگر: راستی این موضوع گرفتن زمینها از دهقانان کی روشن میشه؟...

نگهبان: تا ماه دیگر...؟

کشاورز دیگر: مردم که زمینها را پس میدهند، اینها کاری کرده‌اند که دوباره بشود همان رژیم شاهنشاهی، فقط با یک اسم دیگر. ولی فراموش کردند که مردم او را فراری دادند که زندگی بهتری داشته باشند.

بحث خاتمه پیدا کرد.



بقیه از صفحه ۳۱
۲۴۰ تومان از باب است کمکیهای جمع آوری شده رسید. شده را برای فروشنده انصافیت مردم بین آنها تقسیم کردند. اما جالب است بدانیم که بعد از چانه زدنهای فراوان به هر خانواده تنها مقدار اسلامی می‌گذرد باید هم به اس حد تقبیل پیدا کنند.

مبارزات دانش آموزان در یکماهه اخیر

یکی از مملکتی که جادوی فالانها را گرفته بود، نهفته به اخراج شد).
 ۱۲ - دبیرستان فرگام (خوارزمی - دختران - تهران - ۵۹/۱۰/۱۳)
 ۱۳ - دبیرستان فرگام (خوارزمی - تهران - ۵۹/۱۰/۲۸)

دبیرستان دبیرستان ۱۵ خرداد (جامع) ★
 از چندین پیش مدیر دبیرستان (پارسی) اعلام کرده بود که بهیچ وجه نباید در دبیرستان فعالیت سیاسی شود ولی پس از آن انجمن اسلامی عکس‌هایی از خمینی را در سالن دبیرستان چسباند . دانش‌آموزان مبارز ابتدا به این عنوان که باید آنها را مثل عکس‌های شاه که بطور سی‌تیر همواره روی دیوار مدارس بود، تعلق کرد، عکس‌هایی نشان ندادند. اما در ادامه بعد از مدتی نوشته‌های از سخنان خمینی، مطهری، رجایی و دیگر مراجعین به دیوار چسباندند. آنها کم‌کم در مدتی که با میانه‌یکماریه سیاسی مدرسه بودند که با میانه‌یکماریه دانش‌آموزان مواجه شدند. برودی اعلامیه‌های رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق و اعلامیه‌های دیگر در مدرسه پخش شد. مدیر دبیرستان و دیگر مسئولین هایش اگرچه با توسل به نوطه موجب اخراج چند تن از دانش‌آموزان شدند ولی حرکت‌های قهرآمیزی آنان نتواند از رشد مبارزات دانش‌آموزان بکاست. بلکه باعث تشدید هر چه بیشتر آن شد.

از روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۲۳ تا دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۹ (تاریخ ارسال خبر) فضای دبیرستان ۱۵ خرداد فضای پر شور مبارزاتی شد. و هر روز در رابطه با پخش اعلامیه با چسباندن تراکت و مقاله روی دیوار مدرسه برخورد شدیدی بین دانش‌آموزان و انجمن اسلامی بوجود می‌آید و دانش‌آموزان با توسل به شیوه‌های مختلف از شیل شخص با مقابله فیزیکی با نیروهای مرتجع به مبارزه ادامه میدهد.

فائز شهر *

۵۹/۱۰/۲۰ - دبیرستان (سعید فیزیکی)
 مخبرین، بدنبال مغرور با سخن یکی از دانش‌...

روح رو به‌کمترش مبارزات دانش‌آموزان، مدارس را به سنگری از سنگ‌های بی‌شمار انقباض تبدیل کرده و رژیم وابسته به امپریالیسم را پیش از پیش دچار وحشت نموده است. روزی نیست که در مدرسه‌ای بین دانش‌آموزان انقلابی و مرتجع خواران حکومتی درگیری رخ ندهد.

در دو ماهه اخیر گزارشات زیادی از مبارزات دانش‌آموزان بدست ما رسیده است، ولی ما به علت کثرت این گزارشات و محدودیت صفحات خبرنامه، موفق به چاپ آنها نشده‌ایم. اکنون جهت آگاهی شما، ضمن درج چند نمونه از این گزارشات، اساسی آن مدارس را ذکر میکنیم.

۱ - مدرسه‌ای که در دیماه گذشته زمینه مبارزات پر شور دانش‌آموزان بودند، مبارزات از: ۱ - هنرستان صنعتی پوره‌قدم (بساری - ۵۹/۱۰/۱۰)

۲ - هنرستان صنعتی نوشیروان گنج افروز (بابل - ۵۹/۱۰/۱۲ تا ۵۹/۱۰/۱۸)

۳ - دبیرستان پویا (قائم شهر - دانش - آموزان این دبیرستان به‌دوای پیشبینی از دانش‌آموزان اخراجی دبیرستان خود و دبیرستان سعید فیزیکی، دست به تهمین زدند. - ۵۹/۱۰/۲۲)

۴ - مدرسه جامع (باکی - ۵۹/۱۰/۱۶)

۵ - دبیرستان فتح (بابل - ۵۹/۱۰/۲۲ و ۲۱)

۶ - هنرستان جهتی (قائم شهر - ۵۹/۱۰/۲۷)

۷ - دبیرستان هدیه رفقای - شهیدان اسلام (قائم شهر - ۵۹/۱۰/۱۷)

۸ - دبیرستان لژیون قائم شهر - ۵۹/۱۰/۲۱)

۹ - دبیرستان آیه الیه تعالی - پوره‌قدم سابق - (قائم شهر - ۵۹/۱۰/۱۷)

۱۰ - مدرسه راهبانی حاجی اسلام (باکل - ۵۹/۱۰/۲۵)

۱۱ - دبیرستان قائم (بابل - از تاریخ ۵۹/۱۰/۱۲ تا ۵۹/۱۰/۱۸ بین دانش‌آموزان مبارز و نیروهای مرتجع درگیری بوجود آمد که از آنجمله درگیری در روزهای ۱۷ و ۱۸ دیماه به‌خصوص گزارشید و منجر به رخمی شدن به‌شرف از نیروهای مرتجعین گشت. بعد دانش‌آموز مبارز در انجمن حمایت‌کننده یکی از مرتجعین به‌شرف شد و به‌سبب دبیرستان منتقل گردید. ۷ شهر دستگیر شدند و

بقیسه از صفحه قبل

آموزان سال چهارم توسط معاون زودوز دبیرستان، دانش آموزان بعنوان اعتراض ضمن کردن و انجمن اسلامی با چوب و چاق به آنها حمله نمود. فردای آنروز دانش آموزان در حیاط مدرسه اجتماع کرده و حمله این مزدوران را محکوم نمودند. این مسئله منجر به درگیری بین آنها و اراذل و اوباش انجمن اسلامی شد و دامنه این درگیری به کوفه های اطراف نیز سرایت کرد. در جریان این درگیری شیشه های مدرسه و دیوانه میبیل شکسته شد. در این جریان به شاز ۵ نفر دستگیر و پنجاه تن از مدرسه اخراج گردیدند.

در اعتراض به این اعمال فدخلی دانش - آموزان دبیرستانهای دیگر روز چهارشنبه بمدت ۲ ساعت دست به تجمن زدند.

لازم شهر - مدرسه راهنمایی دخترانه
(کتابون) گونی بافی

از روز سه شنبه ۵۹/۱۰/۲۲ دانش آموزان مبارز این مدرسه فعالیت فتنی خود را آغاز کردند. و طبق معمول مورد حمله اعدای انجمن اسلامی قرار گرفتند.

در روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۲۶ اتحاد و مقاومت یکپارچه دانش آموزان انقلابی مانع از موفقیت اعدای اسلامی ها در باره کردن فعالیت روی دیوار شد. ولی هنگامیکه دانش آموزان به سر کلاسها رفتند فالانژها بر سر یکی از دانش آموزان مدارز ریخته و او را به باد کتک گرفتند که سانسبر دانش آموزان به کمک رفیق خود شتافته و درگیری در سطح مدرسه گسترش پیدا کرد.

در روز پنج شنبه ۵۹/۱۰/۲۵ مقاله ای بجه دیوار زده شد که طبق معمول با حمله فالانژها روبرو شد. همچنین "مجموعه کوچکم را می" مسئول امور راهنمایی تحصیلی فاشم شور که از اعضای حزب "فراگهر" جمهوری اسلامی است، شروع بجه کتک زدن دانش آموزان کرد او یکی از دختران را بوسیله روسری میخواست خفه کند بطوریکه که شخص مزبور کیبود شده و براحقی به بیمارستان شمس بکند در این درگیری یکی دیگر از دانش آموزان مدارز را بقدری کتک زدند که از طرف اورژانس

جهت مداوای او آمدند. با اینحال دانش آموزان هشار بدلیل اینکه کتک خورده نیاا ناینداران او را تحویل بگیرند، مانع از رفتن او به بیمارستان شدند. پس از آن محمودی معلوم الحال که ساکن اتحاد و مقاومت یکپارچه دانش آموزان مواجه شده بود، اقدام به تعطیل کردن مدرسه، دو ساعت زودتر از وقت از معبول کرد. در این واقعه "خانم دفتری" معلم تعلیمات دینی که عضو جهاد سازندگی نیز میباشد به اعضای انجمن اسلامی گفته بود "بروید در مدرسه بنیابستید و دانش آموزان دیگر را که تنهایی می آیند بزنید" اما معلمان مترقی که از این قضیه آگاه شده بودند این عمل کثیف را حاشی کردند. شعارهای دانش آموزان در همین درگیری عبارت بود از:

مرگ بر محمودی - جاسوسان مدرسه اخراج باید گردند، شورا های واقعی ایجاد باید گردد - چوب چاق، ننگه دیگر اثر ندارد، فالانژ فاشیت، مرتجع گویا خبر ندارد - وای بروری که بشود آشکار، نفس توای مرتجع چیره حوار - مرگ بر آمریکا - مرگ بر ارتجاع .

پابل - دبیرستان دخترانه، قباد

به علت وجود عناصر انقلابی در دبیرستان قباد که اکثرا هوادار چریکهای فدائی خلق هستند، در این دبیرستان مبارزه همواره جریان داشته است ولی در روزهای اخیر دبیرستان قباد یکی از پر شورترین مبارزات دانش آموزی بود.

در پی رشد مبارزات دانش - آموزان و مستحکم شدن اتحاد و یکپارچگی آنان، مدیر مدرسه (مولائی) تصمیم به انحلال کلاس افتصاد (شبان) این مدرسه گرفت و کلاس مزبور منحل اعلام شد، ولی مبارزات دانش آموزان کلاس سوم و دانش آموزان کلاس های روزانه که به حمایت از آنها برخاسته بودند در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۵ باعث شد که مجدداً دستور لغو انحلال کلاس سوم صادر شود.

در ۵۹/۱۰/۲۵ بدنبال اخراج یکی از دانش - آموزان هوادار چریکهای فدائی خلق در دبیرستان آرم، گروهی از دانش آموزان دبیرستان قباد جهت حمایت از این دانش آموز دبیرستان آرم رفتند و با شعارهای "اخراج، اخراج بوطش" امیربالیم - محملین، اتحاد، اتحاد، علیه

درود بر شاگردان راستین صمد بهرنگی

امیرالیم" حمایت خود را از دانش آموزان اخراجی اعلام کردند. تظاهرات دانش آموزان علیه تمام تلاش های "مستولین" باعثها بطول انجامید.

۵۹/۱۰/۲۱ ارتجاع برای مقابله با دانش آموزان انقلابی بهای مدیران نظام فیلدی، کسبایر جدیدی از مستولین به دبیرستان فرستاد. دانش آموزان که متوجه این موضوع شده بودند، قسمل از اینکه مدیر جدید فرمت سخنرانی پیدا کند، با شعارهای "زنده باد آزادی، ای مرگ بسیر آمریکا" مدیر جدید را در فضای مبارزات سیاسی دبیرستان قرار دادند و پس از سخنرانی مدیر که برای دانش آموزان خط و نشان کشید و هرنوع فعالیت سیاسی را ممنوع اعلام کرده، دانش آموزان را در صورت عدم رعایت این دستورالعمل به مواجه با زاندارمری تهدید نمود. دانش آموزان مبارز با شعارهای "مکوم است، مکوم است" مخالفت خود را ابراز داشتند. ظنین فریاد آنها، شعارهای شاه پیدی "الله اکبر" فالانزها را خاموش ساخت.

دانش آموزان مصمم شدند به مقابله شدیدتر با مدیر جدید دست بزنند. بنابراین هنگامیکه در رنگ پمده متوجه شدند تمام اعلامیه هایسیا و دیوارکوبها بهر اعلامیه مربوط به جریان منحنط "کار" پیوسته مدیر و نظام از دیوارها کنده شده است، با شعار "مر سنگر مدارس که سازش نیست" تسلیم ... مرگ بر اختناق، زنده باد آزادی" به حیاط آمده. بین دانش آموزان و مدیر و نظام و نمایان از فالانزها درگیری بوجود آمد و در این بین مجدداً اعلامیه و نوشته های انقلابی را به دیوارها چسباندند. رنگ سوم دانش آموزان متوجه درگیری چند نفر از دانش آموزان مبارز بسیا مستولین شدند و دیواره اعلامیه ها را بسبب ساره یافتند ولی ایسبار مستولین هر را را بسبب سوری دانش آموزان قتل کرده بودند تا مانع از آمدن آنها به حیاط مدرسه شوند. ولی زهی خورل باطل، دانش آموزان شیخه ها را شکنجه و در هر چه از جای کردند. هر حالیکه شعار میدادند: "انجمنیایب شکل، ای بروزی که شود آشکار نقش سسوی ای مرتجع جیره خوار" به حیاط آمده و نور صبارزه، خدا میرالیمستی را آشکار ساختند.

۵۹/۱۰/۲۲ در این روز پس از اینکه سیه دانش آموزان اعلامیه های در رابطه با افسدای مستولین جدید مدیر به دیوار پیوسته کردند، خبر

یافتند که دو تن از معلمین از مدرسه اخراج شده و ناظم مدرسه مانع ورود یکی از آنها به کلاس درس شده است. دانش آموزان به منظور حمایت از معلمان اخراجی در حیاط مدرسه دست به تحصن زده و با شعار "معلم اخراجی حمایت میکنیم" از معلمتان خواستند که سر کلاس درس حاضر شود. معلم اخراجی نیز که شاهد حمایت فعال دانش آموزان بود، بسر کلاس رفت و برای دانش آموزان صحبت کرد. اتحاد عمل دانش آموزان مستولین و فالانزهای مدرسه را وادار به سکوت کرده بود و یکبار که مدیر مدرسه با حضور در سر کلاسای دردمد برآمد جلوی صحبت های معلم اخراجی را بگیرد با مخالفت دانش آموزان روبرو شد. در این ضمن معلم اخراجی از مدیر سوال کرد که چرا او و معلم ریاضیات اخراج شده اند. مدیر هم که میخواست بی طرفی خود را نشان بدهد، گفت حکم اخراج شما را مدیر فیلدی داده است.

درصورت تفریح دانش آموزان همسوادار مجاهدین متنی تهیه کرده و خواهان بازگشت کادر سابق به مدرسه شدند و از سایر دانش آموزان خواستند که این متن را امضاء کنند. اما این متن مورد مخالفت دانش آموزان هوادار جریکهای فدائی خلق قرار گرفت. آنها چنین استدلال میکردند که در متن به حمایت موالشی (مدیر سابق) اشاره شده و او یک فرد انقلابی قلمداد شده است در حالیکه ماهیت او بر هیچکس پوشیده نیست. هواداران جریکهای فدائی خلق با بردن نظراتشان بمیان دانش آموزان مانع از تصویب این متن شدند.

۵۹/۱۰/۲۲ - مدیر مدرسه سر صبح حاضر شده در رابطه با حمایت دانش آموزان و ترفتن آنها بسر کلاس صحبت کرد. سخنان مدیر که با گفته های روز اولش کاملاً تفاوت داشت، نشان دهنده تری آنها از مقابله با دانش آموزان بود.

۵۹/۱۰/۲۵ - در این روز اکثریت بهمناسبت فرار شاه نمایشگاهی ترتیب داد. در قسمت های از این نمایشگاه به مبارزات جریکهای فدائی خلق در زمان شاه اشاره شده بود. متن نوشته های نمایشگاه مورد اعتراض هواداران جریکهای فدائی خلق قرار گرفت و یکی از آنها از دانش آموز هوادار اکثریت پرسید: "اگر شما گذشته سازمان را رد میکنید و مبارزات جریکها را در سالهای ۲۹ تا ۵۶ آثاره متنی میداند چرا از نامشان استفاده کرده و از مبارزاتشان بهمنسوان

اصحاری بران بود نام میبردید؟

دانش آموز "اکثریت" پاسخ داد: "ما مثل شما مسائل را مطلق نمیکنیم و میگوئیم که مبارزات اینها نوانسته است در توده ها تا شورشهای برجای بگذارد!!" مجدداً یکی از هواداران سوال کرد که: "اگر مشی آنها انحرافی بوده، چگونه یک مشی انحرافی میتواند روی مبارزات توده ها تا شورش مثبت بگذارد؟" در این حال یکی از همروزان حزب توده به کمک دانش آموز اکثریتی آمده در مقابل سوال این دانش آموز دست به توجیه و تبیین زدند. سپس دانش آموزان هوادار چریکهای فدائی خلق تصمیم گرفتند که با استیلا در آموزشگاه را جمع کرده و در رابطه با قرار تصاویر و فروریت مبارزه مسلحانه صحبت کنند. برنا صبر آنها با استقبال دانش آموزان روبرو شد.

در روز ۵۹/۱۰/۲۸ دانش آموزان اطمینان یافتند که یکی از هواداران گروههای بیاضیست به علت اینکه در جریان مبارزات روزهای قبضه کلان درس را بدون اجازه معلم ترک کرده، اخراج شده است. دانش آموزان با پی گیری بیوقفی متوجه شدند که مسئولین مدرسه به خاطر مذاکره با این دانش آموز موفق نشده اند او را به دستگیر کرده و از مدرسه بیرون کنند. به همین خاطر به مدرش اطلاع داده بودند که برای جلوگیری از به مدرسه بیاید. مسئولین مبارز تصمیم به حمایت از هم مدرسه ای اخراجیها گرفته و با آن برخوردی حیاط مدرسه آمده و با شعارها شروع کردند. "مجلسی اخراجی میباشیم میکنیم، اخراج دانش آموز پنجم امیرالیم - شعار دانش آموزان مبارز امیرالیم لیم"، مسئولین مدرسه را به همراه گروهی در دستگیر کردند. در این ضمن دانش آموزان هوادار چریکهای فدائی فدائی خلق با خواندن شعری از "بیتها" چریکهای فدائی خلق به مناسبت بزرگداشتی مبارزین دانش آموزان را به مقاومت دعوت کردند. به همین دانش آموزان تصمیم گرفتند که به خانه ها و به اخراجی رفته و او را بدبیرستان بازگردانند. بهنگام بازگشت آنها، مستخدم مدرسه با بستن در از ورودشان به داخل حیاط جلوگیری کرد اما مسیبا دانش آموزان موفق شدند در باز گسوده و دانش آموز اخراجی را به داخل مدرسه بیاورند. دانش آموز اخراجی پس از حضور در جمع دانش آموزان چگونگی اخراجش را توضیح داد. سپس دانش آموزان تصمیم گرفتند که به همراه همکلاسی اخراجیشان به سر کلاسها بروند و در صورتی که این

دانش آموز مورد بی احترامی قرار گیرد، مجدداً دست به اعتراض بزنند. در این ضمن دانش آموزان متوجه شدند که یکی از فالتزهای مدرسه کوشه ای ایستاده و اسامی آنها را یادداشت میکند. عمل این جاسوس مورد اعتراض دانش آموزان قرار گرفت و آنها بطرفش حمله کرده و دفترش را کد بروی آن کلمه "خیار" نوشته شده بود از دستش بیرون آوردند.

رئیس آموزش و پرورش طوالش از چه کسانی حمایت میکند؟

رئیس آموزش و پرورش بهرستان طوالش از زندان آزاد شد. علت زندانی شدن او تجاوز به یکی از دختران دانش آموز بوده در ضمن فاسل توجه است که این شخص کثیف مقام امامت جماعت را نیز دارا میباشد.

رژیم جمهوری اسلامی باید هم چنین مدیران فاسد را برای سرکوب دانش آموزان انقلابی آزاد کند. زیرا آنها با بهره گیری از چنین عناصری میتوانند به سرکوب مردم بپردازد.

گرمانشاه ۵۹/۱۰/۱۲

در این تاریخ رادیو گرمانشاه اعلام کرد که به علت بازسازی گذار آموزشی دبیرستان پرورش اعتمادی تعطیل است. از آنجائیکه هدف واقعی رژیم از اعلام این خبر اخراج عناصر انقلابی بود، دانش آموزان در روز سه شنبه ۵۹/۱۰/۱۶ در جلوی دبیرستان به عنوان اعتراض شروع به شعار گفتن کردند. یک کامیون پاسدار نیز برای کنترل در آنها حاضر گشته بود.

دانش آموزان صبح روز بعد، مجدداً در محل تجمع گردیدند ولی در اثر حمله و هجوم پاسداران متفرق شدند. نزدیک ظهر دوباره جمع شده و با انجمن اسلامی ها درگیری پیدا کردند. در این روز پاسداران به حمایت از انجمنی ها با چاقو به دانش آموزان حمله ور شدند.

در روز ۵۹/۱۰/۱۷ دانش آموزان دبیرستان معلم بعنوان اعتراض به این جریان از رفتن به کلاس خودداری کرده و در حیاط مشغول شعار دادن شدند. در این هنگام پاسداران به همراه اراذل و اوباش از دیوار مدرسه به داخل آمده و با چاقو بطرف دختران بیورش بردند. در این بین پاسداران با زدن ضربه چاقو به نخاع دانش آموزی موجب فلج شدن وی گشت. پس از این واقعه، دبیرستان شاددخت (آل احمد فعلی) دست به اعتراض علیه

دانش آموزان مبارز دبیرستان خمینی تنگابین
از رئیس دبیرستان حمایت کردند.

در تاریخ ۲۷ دیماه دانش آموزان دبیرستان خمینی تنگابین به حمایت از رئیس دبیرستان کسبه بعلت عدم مخالفت با فعالیت سیاسی دانش آموزان اخراج شده، دست به تحسین زدند. هنگامیکه دانش آموزان مشغول گوش دادن به سخنرانی نمایندگان دانش آموزان بودند، با سازمان ۳ دستگیره مدرسه هجوم آورده و ۳ نفر از دانش آموزان را دستگیر کردند. اما این عمل آنها مانع از مبارزه دانش آموزان برادر ریبیدن به خواسته ها بشان نشد و دانش آموزان آنروز ضمن راهپیمایی در محوطه دبیرستان خواهان آزادی دوستان خود شدند و تا آخر وقت مدرسه بر کلاس شرفیفتند.

فردای آنروز ۲۸ دیماه فرماندار شهیدساز تنگابین "ظاهائی" بدبیرستان آمده و ضمن سخن رانی سعی کرد دانش آموزان را فریب دهد. او گفت ما مطالب فعالیت سیاسی را در این محترم و برای اینکه بهر استیقامت های برای این جهت از حمایت ۱/۵ که وقت کلاسها تمام میشود (زمان تعطیل شدن مدرسه) اعلامیه ایچان را روی تابلو کلاسها پس از ۲ ساعت آنها را دوباره بردارید. این دانش آموزان با شعارهای رزمندگان فرما میماند را ره کرده و خواهان بازگشت دبیرستان شدند.

بعینه اره هغه، عمل
این حمایت زد. مدیر مدرسه برای کمک از "آرمان فر" رئیس ناحیه دوم آموزش و پرورش خواست که سخنرانی کند. به منضم ورود "آرمان فر" دانش آموزان او را به باد تصخر و کتک گرفتند، بطوریکه با آمبولانس وی را به بیمارستان منتقل کردند!



دبیرستان "وابسته" نیز بعنوان اعتراض به این واقعه دست به تحسین زد که ۷ تن از دانش آموزان متفرقی توسط معاون بلافاصله اخراج شده و مدرسه نیز تعطیل اعلام شده است.

فومن
۲۹/۱۰/۶۹ چهار تن از دانش آموزان مبارز هنگام بخش نشیبه و اعلامیه توسط اوباشان حزب جمهوری اسلامی و بهاء با امداران فداکاری دستگیر شده و به دادگاه فومن جهت محاکمه روانه شدند. از طرف "فرعی" مزدور، برای این ۴ تن پرونده سازی شد که دو تن از آنها هنوز در زندان بسر میبرند.



تبریز
دو تن از ما، مورین بسج مستضعفین محله، سیلاب قوشخانه بناهای مجید و حسین فیاضی مدتی پیش به هنگام گشت شبانه و کنترل خاموشی چراغ ها، در خانه ای را که چراغ آن روشن بود زدند و چون فیلد یک زنی زحمتکش در خانه بود بزور داخل منزل شده و زن مزبور را مورد تجاوز فاسق قرار دادند.

این دو نفر پسران حاجی کریم، رباعیوار معروف سیلاب قوشخانه هستند که خود نیز از جمله اعضای بسیج مستضعفین میباشد. برای روشن شدن ماهیت بسیج این محله باید بگوئیم که رهبران آن را کسانی چون حاجی امیراهیم بابائی رشید و حاجی احمد سزار تشکیل داده اند، ضمن اول صاحب یک کارخانه، فانی بابائی است که بیشتر کارگران آن از کودکانی کمتر از ۱۵ سال تشکیل شده و در حقیقت کارخانه او قربانگاهی برای کودکان زحمتکش بشمار می رود.

آملش (ارتوابع روز)

روز دوشنبه ۲۲/۱۰/۶۹ معاون آموزش و پرورش کسی که ادعا دارد او را از قبل بهادر تشخیص داده و اخراج به این کارگزاران کرده، یکی از دانش آموزان را با خود فرستاده و پس از دادن چندین کتاب به او میخواهد تا به عنوان چاه درس میان دانش آموزان رفت و برگردد. اما این دانش آموزان انقلابی پس از ترس از این مزدور بیدان دانش آموزان رفته و تمامی پیشنهاد های به آن، را با زکوفی فریگند. فردای آنروز این دانش آموزان مبارز را به بهائیه دانش اعلامیه در کتف و نوشتن جرگه بسیر آوردند از مدرسه اخراج کردند.

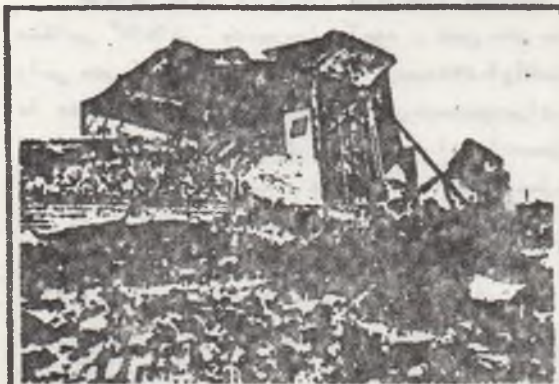
در پی این جریان دانش آموزان در حیاط اجتماع کرده و بنظران اعتراضی به رئیس دبیرستان پرداختند، که مورد حمله مزدور دبیرستان و فرار گرفته و بدبمال آن چندتن دبیر از دایره آموزان اخراج شدند.

رژیم خاندهای زحمتکششان را بر سرشان ویران کرد!

تهران - خاک سفید

صبح روز یکشنبه ۲۱ دیماه منطقه خاک سفید تهران پارس توسط باسداران ضد خلقی رژیم و سه وسیله لودرهای شهرداری مجدداً مورد حمله قرار گرفته و تخریب شد.
مبارزات مردم تهران برای تهیه مسکن با حداقل امکانات زندگی دارای سابقه طولانی میباشد. خلق ما مبارزات مردم زحمتکش خارج از محدوده را در سال ۶۶ از خاطر برده است. در چند سال اخیر به علت تحمل شرایط اقتصادی در روستاها و روی آوری نیروی کار به بازار فروش کار، هر تراکم جمعیت در شهرها و بخصوص تهران افزوده است. مسئله مسکن علاوه بر تمام مشکلات و معاش دیگر زندگی به مذاقه سخت ترین و غیرقابل تحمل ترین مشکل بر دوش این زحمتکشان سکینی میگردد. گزافه خانه سنگین، کمپاسی خانه و اطاق، دوری محل سکونت از محل کار و زندگی دسته جمعی در آلودگی های تنگ و نمور در خارج از شهر، عدم وجود آب بهداشتی، برق و وسائل اسباب و ذخایر عمومی شرایط را بیش از پیش برای این زحمتکشان دردآور ساخته است.

رژیم شاه به عنوان رژیم وابسته به امپریالیسم
لیبرال، هر روز بوسیله نیروهای سرکوبگر و ماشین آلات شهرداری سربساز این خانواده ها را بر روی سرشان خراب میکند و سرانجام مردم با مقاومت جاننازانه خود موفق به حفظ سربساز خود شده و رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی را سرنگسبون ساخته است.



خاک سفید

با هزاران خون دل خانهای ساخته و رژیم کمتر از چند ساعت آذرخه بر سرشان ویران کرد.

از آنجا که خلق ایران موفق به ویران کردن مآخیز سیستم پهلوی و امپریالیسم نشدند و حاکمین کنونی با همان مآخیز ولی بیچاره دیگر، با قوت و وسعت رژیم پهلوی و مسکن برای زحمتکشان لایزال باقی مانده است. مردم پس از مشاهده جریکهای ربهایی بنیاد مستقیمین و قول و قرارهای دروغ آمیز و به جیب کشیدن میلیاردها تومان پول و با توجه به مردم دهگونی بی

درد انگار آنها برده و سرکشان مسلم شد که حل مسئله مسکن از عهده این دولت حافظ منافع زمینداران و سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم خارج است. خلقهای ما پس از گذشت دو سال بخوبی بی برده اند که اگر خود اقدام به تقسیم زمینها نکنند، همچنان باید به این وضع آشفته ادامه دهند. گزارشی را که در زیر میخوانید نمونه ای از اقدامهای به حق مردم برای ایجاد حداقل شرط زندگی خود میباشد.

زمینهای خاک سفید که در بالای تهران پارس قرار دارد، متعلق به تاجی و پالیزیان، مزدوران رژیم سابق بود که بعد از قیام بوسیله مردم تصرف و بخشهایی از آن ساخته شد. این زمینها در زمان رژیم گذشته بین شهربانی، بانک سپه و راه آهن تقسیم شد، که بخش مربوط به راه آهن نفلکیک هم گردیده بود.

در تاریخ ۵۹/۹/۲۵ صبح عده زیادی از مردم اقدام به اندازه گیری و خط کشی زمینها نمودند. هرکس مشغول تقسیم زمین بود، ابراد حدود زمین خود را با گچ سفید مشخص میساختند. آن دسته که مقدار ناچیزی پول در بساط داشتند، موفق به خرید آخر هم شده بودند تا بتوانند هرچه سریعتر شروع به ساختن دیوار خانه نمایند. مردم در تقسیماتی که صورت میدادند به خیابان بندبها و کوچه ها نیز توجه داشتند. رابطه مردم با یکدیگر کاملاً صمیمانه بود.

روز دوشنبه ۵۹/۱۵/۱ صبح جمعی از سوهی در زمینها حضور داشته و نظریات تمام زمینها را کرده بودند. در این هنگام نیروهای سرکوبگر دولت و خرابکاران کم کم نزدیک زمینها میآمدند. سرکوبان مزدوران بدینترار بود که تعدادی پاسدار مسلح و چند ماشین لوادر شهرداری در فلکسه سوم شهر امارت مسفر بده و چند ماشین دیگر شهرداری و یک جیب ارسنی به نزدیک زمینها آمده و تکلیف که خود را نماینده "سنداد مستضعفین" معرفی می نمود، به مردم گفت: "در زمان جنگ این کارها را نکنید زیرا عراق و آمریکا استفاده میکنند، بگذارید جنگ تمام شود به همدان حاشیه میدهم". مردم در جواب نماینده چنین گفتند: "اولاً این سنداد مستکبران است! ثانیاً ما قبل از شروع جنگ برای ما جکار کرده بودید، چنان ما نبل رسیده، دهها بار فرم درخواستی برگزیده اسم، اما از حاشیه خبری نشده است تا اینکه با جکار ندیم خودمان فکری برای این مسئله نکنیم. مردم با دلایل منطقی و جوابهای دندان شکنی که به نماینده دادند او را وادار به سکوت نمودند. در این میان یکی از ارسنیان که بحاضر حفاظت از نماینده در آنها حضور داشت، اظهار نمود: "آیضا صدایند اگر حیر این کارهای شما بکوش برادران ما در حاشیه برسد چه میشود؟ آنها سرد میشوند و دیگر نمیتوانند بخوبی بجنگند"، آضوب میکنند، بگذارید جنگ تمام شود، دولت خودی به شما حاشیه خواهد داد". یکی از زخمیگان در جواب: "از منی چنین گفت: "ما طلای ساحیر زن مان را فروخیم تا بتوانیم آخر برای ما عین زمین بخریم، از طرفی چرا باید سربازان در حاشیه از خانه دار شدن ما ناراحت شوند و با اینکه اگر ما حاشیه خانه شویم آمریکا استفاده میکند". مردم دیگر احساره دادند که این مزدوران پیش از این عهد کنند، آنها را وادار به ترک محل نموده و در این زمان شروع به هو کردن آنها نمودند. عدهای اعتقاد داشتند که باید شهرداری رفت و تکلیف مسئله را روشن نمود، ولی عدهای دیگر در جواب میگفتند: "اگر به آنها برویم دستگیرمان میکنند و پیردان میاندازند و طلای میرسند". بعضی ها هم میگفتند که در مقابل پاسداران و ارسنیان مقاومت میکنند، پیرومرد سالمند زخمی گفت: "ما که اسلحه نداریم، آنها برویم چه بکوشیم". عدهای عقیده داشتند که اگر شهردار با ما کاری دارد، خودش باید به اینها بیاید. سرانجام کسی به شهرداری نرفت.



ماک سفید:
این نمونه ای از اعمال رژیم "حاشی مستضعفین" است. "عده" رژیم نه زخمیگان، خراب کردن حاشیه های آنان است.
حاکم سفید:
رژیم حاشیه زخمیگان را بر سر آنان ویران کرده است.

روز سه شنبه ۵۹/۱۵/۲ مردم زمینها را بطور کامل تسخیر نمودند و حیایان زمینها را هم سیر محض ساختند. عدهای هم مشغول ساختن دیوار زمین شان بودند، با اینکه هنگام ظهر تعدادی کامیون ارسنی برار سرباز مسلح به سر زمینها آمدند و حاشیه را محدود نموده و از رفت و آمد کامیون های حامل اخر جلوگیری نمودند. پاسداران مزدور هم در صحنه حاضر شدند و شروع به درگیری با مردم و تیراندازی هوایی کردند. ماشینهای شهرداری آجرها را توسط لوادرها بار رده و بجای آن بر روی زمین ها ریاله میریختند. مردم دست به مقاومت زده به جلوگیری از این عمل روکویمان برداشتند و با پاسداران زدو خورد نمودند، مردم حاضر به عقب نشینی نبودند، زیرا الان زمینها

سیتم حکومت بر آوارگان جنگ

کازرون

حک عمده دلازه، دو دولت مدخلی ایران و عراق برای سوده های ما هیچ چیز عریسی، سنگاری و جاسمان براندازی و بالاخره آوارگی بهارمغان سناورده است. آوارگی از خانه و کاشانه یکی از ساددهای نوم این جنگ بوده است. مردم خوزستان که مسقطاً در معرض تسایح این جنگ استوار دارند، سیه ها خانه و زندگی خود را از دست داده اند، بلکه هم اکنون برای گذران زندگی روزانه خود در مقبضه فراوانی بسر میبرند. گزارش زیر گوشه ای از وضع جنگ زدگان را در شهر کسارزون بیان می دهد.

اولین حرکت اعتراضی مردم بصورت راهپیمایی به طرف فرمانداری صورت گرفت. طسلسلی زوال همیشگی، بیادیه داران که از هرگونه حرکت جمعی سوده ها وحشت دارند، قعد بهم زدن اس شخص را داشت که نتوانست کاری از پیش ببرد. و بعد از بعضی جدلهای فراوان با فرماندار و اتمام حجت به شهر قرار شد که دولت مقداری کمک به آوارگان بکند. که با استدعال هیچ حرکت مؤثری انجام نداد. ضمن سالا گرفتن اعتراضات مردم جناب آقای اشراقی برای خواندندن سوصداها به کارروان آمد و پس از گفتگوها و ملاقاتهای زیاد و در اثر اعتراضات مردم مقداری از کمکهای مالی جمیع آوری بقیه در صفحه ۲۲



بقیه از صفحه قبل

مسئله زمین نبود، بلکه آن بولی راهم که بیادیه چرها برداخته بودند، از دست رفتن می دیدند! بولی که حاصل رشخ و زحمت هراواستان بود. مردم مصمم به بازپس گرفتن این بولها بودند. ایسین فکر در مردم قوت میگرفت تا پولسان را بپرانندهند، دست از مبارزه برندارند.

مبارزه مردم منطقه خاک سفید ادامه داشت تا اینکه در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱ با ساداران ساعت پنج صبح به محل آمده بلافاصله منطقه را مورد محاصره خود قرار دادند و اعلام کردند که هیچکس حق رفتن و آمد ندارد. حدود ساعت ۷/۵ صبح ۵۰ تا ۶۰ تودر وارد منطقه شده منظر دستور شهردار برای خراب کردن خانه ها شدند و پس از کس دستور به خراب کردن خانه ها پرداخت.

در ابتدا مردم بطور تک و توک به درگیری با ساداران و اعتراض پرداختند و یکی از اهالی که قعد داشت اطحه یکی از ساداران را از او بشیرد و همچنین چند نفر دیگر بوسله ساداران مردور دستگیر شدند. بعد از چند ساعت مردم با خشم و نفرت تمام دست به یک راهپیمایی زدند و خواستار آزادی همسایگان دستگیر شده خود شدند.

روز ۲۲ دیماه یعنی فرهای آن روز مردم از فلکه چهارم تهران پارس دست به یک راهپیمایی بانگوه زدند. صفوف راهپیمایی که در آغاز با ۴۰۰ نفر شروع شده مردم بر جمعیت تر میشدو شهرت های مردم چنین بود: " دولت مستعطفین خانه خراب میکند - خانه خراب کردن، کار ستیگران است - با خون دل مبارزیم، شهردار خراب میکند". این راهپیمایی تا شهرداری منطقه ادامه پیدا کرد. مردم در شهرداری با شخصی که اسم و مقام مشخصی نداشت، صحبت کرده وی میگوید: " دو نفر سب سبایمده انتخاب کنید تا با او صحبت کنم". آن شخص در صحبت با نمایندگان میگوید زور ساد تمام مردم منطقه حاضر شوند تا برای تقسیم بندی همهها ثبت نام نمایند. اما مردم میگفتند که اگر اینها قعد تقسیم زمین را داشتند، چرا دست به بفرست خانه های مردم زدند. یکی از اهالی محصل در حالیکه با زن و بچه هایش مشغول نرمیم ساد خراب شده بود میگفت: " مگر در ابتدا گورمستان را یکسده ما از اینجا سواهم رفتما در اینجا حادر خواهیم زد و با نیروهای ضد مردمی مبارزه خواهیم کرد.

هجوم های مسلحانه، سبانه و بی درسی رژیم برای خارج ساختن حقوق رحمتکان از جنگکان، صحبانی گفته ما را ثابت میکند، وستی که میگوئیم: خلق ما تنها در صورت صلح بودن میتوانند چه خود را از این سگان زنده گیری امیرالایم بازستانند. و تنها قدرت تک خلق صلح همچون وستی نام قادر خواهد بود تا برای همه امیرالایم را در میهمان بکور سپارد و نسیم آزادی را در پیهنه، میهمان بارمغان آورد.

ف

تر روز که از ادامه جنگ بین دو رژیم مداخلتی ایران و عراق منگدرده ما هیت غیرعادلانه جنگ پس از نین برای بوددهای رحمتکس میهمان اما مسبود روس بدن واقصینها، جسرده خواران رژیم را بدست ونا انداحه بد برای ادامه حیات نیکمستان با صلوات فریدکارانه، فرزندان رحمتکسان را تحت سیری خود بیسبکهای دفاع از منافع سرمایه داران نگهاسند. اما این فعالیتها چه بود که جاسان رنگ ناخند و این حصفت را که جنگ، جنگ سرمایه داران است هموطنان ما و خصوصاً اوارکسانی که مخالف جنگ را با کوسید و سوسد خود لمس کرده و در زیر باران گلوله مجبور به سرک شهر و دبار خود شده اند، نخوتی درناخته اند، گزارش ربر ما هدی بران مدعاست.

مدعی فعل فرماندار هم گروهی از اوارکان را که در اس شهر سکونت دارند در محل فرمانداری شهر جمع کرده و برای آنها در سناس "شهادت"، "فداکاری" و "مقاومت" در برابر کفار داد سخن داد و در پایان امانه نمود که: "هرکس از میان شما مسلمان است فوراً به محل سکونت خود برگردد و با کفار بجنگد. اما کسی از آنکه فرماندار با دلی خونخوار انجام وظیفه ترسید، را ترک نکند، سررسی از میان جمعیت سرجاست و به فرماندار گفت: "ما حید هفتده مسلمان بودیم و مره، خمسده - حمسه های عراقی را حسدیم، شما هم حید روز از خمر این سرها و اطاقهای راحت و گرم بگذرید و مسلمان شوید با سبهد سی سلاح و دست خالی نمسود در مقابل سوب و تانک و هواپیما حتی یک دقیقه مقاومت کرد." با بد سایر اوارکان که از گوشه و کنار بلشد شد، محالی برای پاسخ به فرماندار نداد و او در حالیکه خم خود را فرو منخورد سبعتار فرمانداری خارج شد.

اسلام آباد غروب

ساعت ۱۰ پنج چهارشنبه ۲ دسامبر مردم اسلام آباد غروب شاهد کسه بدن یکی از همسران خود بدست با امداران مداخلتی بودند.

ماجرای بدنی برینت بود که بین دو جوبدار در میدان تر کیرها "نکو مکتوبی صورت گرفتند و کارسان ... کسند. در این میان سزوکله با امداری ز ۳۰ بدست میدا شد که به احوالاح تصدق مدانیکوری داشت. یکی از طرفین دعوا که از مداحله نامورد با امدار حسدگس شده بود، شروع شده با سزا بونی بدبا امدار برینور نمود. در مقابل این عمل با امدار حیات سینه گلسگدن را کسیده و سسه طرفان حتی بلمک کرد و او را کسب. در همین هنگام مردمی که مسوجه واقعه شده بودند با فریادهای جسم بدعنت با امدار که اکمون دنگر با فرار کداسیه بود، سرداحیه، وی را دستگیر ناخندید. یکی از با هدان ماجرا با ثریه خطاب مردم مسکت: "این اولین باری نیست که ایسین با امدار دهانیکوید آدمکی ها صنادرت منوررد؛ دنده اول یکی از آسمان ما بدست وی کسه شد و سکانات ما را هیچ مرجعی رسیدگی نکرد."

فریاد آن روز در سطح شهر نحت و دندکو سرامون جمابینی که صورت گرفته بود ادامه داشت. یکی از رحمتکسان اظهار مدعاست: "میگوند با امدارها در حمسه مسجتکند، کسی نیست که به آنها بگوید آجر فلان فلان شده یا میدان تر کیرها؟ "سزکس" (جوبدار) سراسر عراقی است؛ بدرسوجهها فقط یک حرف بلیدند "صدانقلاب"، وقتی سهدان مگوئی چرا سبجود آدم میکسی، میکسند بو صدانقلابی!! بدل اینکه سی و سن میلیون ایرانی فدا انقلاب هسند!! و فقط با امدارها و آجوبدها "انقلابی" اند. اگر دوباره انقلاب نموده مدعاستم ما آنها چه کنیم."

فاجع شهر

تا آنکه در تاریخ ۲۸/۱۰/۵۹ سراسر با نامه

شماره ۱۱۲۴۴
۵۹/۱۰/۲۸
سما رستان ولی عمر قائم شهر،
ار آبهسنا خواسته شد طرف ۲۴ ساعت بدین
اطلام گرونده و کربنه اخراجی محسوب خواهند شد.
اکمون تمام کارکنان این واحد اعم از دگسبر و
برستار و غیره ... بدون هیچ مدرکی و صرفاً
بدلیل اعتقادات مذهبی خود اخراج شده اند.

۷۵۹

در تاریخ ۱۰/۱۰/۵۹ طبق تصمیمات
۵۹/۱۰/۱۰
عده ای از کارمندان وزارت بهداشتی را به اتهام
"انساب بهره" بهانمت بهاسبا امداری مارشدران
در باری احضار و از آنها خواستند برای تکمیل
هویت برسانمادی بر و امضا نمایند.

روسانشان و مسئله آب

کمان سلب شرایط جغرافیایی ایران، آب همسند برای روسانشان یک مسئله حیاتی بوده است. سلب وعده‌های اولیه، رژیم فعلی مستی بر عدم لزوم پرداخت آب بها، روسانشان خوشحال بودند که دیگر از این باب استعلام نخواهد شد، ولی مدت کمی نگذشت که ندرستی موجهه شد و وعده‌های سیریس رژیم جمهوری اسلامی حری حرم عوام قربانی شده است. اطلاعیه سخنداری مرکزی انزلی کوسه‌ای از اعمال فشار رژیم را بر علیه روسانشان رحمتکین نشان می‌دهد.

فایل نمونه
اطلاع صحیح در امری که در روزنامه‌ها و تریبون‌ها
بخشنامه‌های دولتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در باره آب شیکه‌های ایران طبقه‌بندی کرده
مردم سبلا کما روزی براه می‌دهند و پیش‌تر است. در این باره انقلاب است. این از گروه کارگران تهران است.
استمرار مردم نیز باید بود و به سمت برود. در این باب، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم
مطلوبه در این مورد، به این جهت است که اینها را از آگاهی‌رسانی، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم
در این باره، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم. اینها را از آگاهی‌رسانی، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم
باید حدیست، اینها را از آگاهی‌رسانی، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم. اینها را از آگاهی‌رسانی، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم
کارگزاران می‌توانند در این باره، اطلاع‌رسانی به مردم و اطلاع‌رسانی به مردم.

عکس العمل روسانشان در مورد اطلاعیه،
سخنداری مرکزی بندر انزلی بفرار زبیر رسیده
است:
حمفه بازار - پرداخت آب بها با مقاومت مردم روبرو شد.
مانک - نصبت به آن اعتراض نهوده و بسته درگیری و حمله بدولت انجامید.
مودخیه "سوانح حمفه بازار" - نمایشه
سازمان آب بها مشاهده، حفاظت مردم بظرفداری آنها آمد.

سپاه تن - سازمان آب بها دو دهقان مرفه الحال صحبت نهوده قرار گذاشتند با کلیسک از روسانشان پول بگیرند. با این ترتیب که آنها در فیهوه‌خانه پیشقدم پرداخت پول آب شوند و در حضور روسانشان آنرا بپردازند تا روسانشان دیگر در رودرماستی قرار گیرند و ولی سلب تحریمه روسانشان از سابق کلکتان بگیرند و خود مقنض شدند.
بذکر: بعضی از روسانشان از نرس آنکه سازمان آب، آب کانال را مخصوصاً در هنگام گشت و طلسم نکند، پول آب را کنار گذاشتند که در صورت فشار بپردازند. احتمالاً سلب بسیار شد روسانشان به وام کشاورزی و آب، دولت اعلام خواهد کرد تا پول آب را بدهند به آنها وام خواهد داد.



رسمت ۵۹/۱۰/۱۲

ساعت بعد از ظهر روز شنبه، یکی از هواداران سازمان ماهدین خلق بنام بهرام فرحساک سلب اعتراض به تاره کردن بوسر ماهدین در خیابان تختی، مورد تهاجم باسداران مزدور کمیته، تا فریاد فرار گرفت و بطور فجعی به شهادت رسید. مردمی که شاهد واقعه بودند با خشم هر چه نامیر به مردوران حمله بردند، ولی مهاجمین با استفاده از کلت و شلیک تیرهوانی موفق به قتل‌ساز شدند. (گفته می‌شود مارت اصلی که شخصی معنایی است، توسط مردم دستگیر شد.) شدت خشم مردم مبارز رست‌بندی بود که نزدی از هر طرف به این منطقه سرار بر شده و ساراریان این خیابان دکانهای خود را بستند. آنها افراد سبکوک و عناصر معلوم الحال ساخنه شده را مورد حمله قرار دادند.
روز یکشنبه ۱۴ دسامه جناره شهید بهرام فرحساک با حضور ۱۵ هزار نفر از مردم شهر تسخیر شد. کینه و خشم مردم جدی شد با اینحال ماهدین از دادن شماره‌های رادیکال اجتناب می‌کردند. هنگامی که صف مردم خمگی به اواسط شهر رسیده بود، هادی غفاری با تسبیح تعدادی از باسداران و اوباشان، جمهوری اسلامی، پرس و وخت خود را از خشم توفنده، توده‌ها به نمایش گذارد و با نرس اندازی هوانی به مقابله با مردم برخاست. اگرچه صف مردم مبارز پراکنده شد، ولی آنها در مقابل اوباشان استاند و قهرمانانه مقاومت ورزیدند و با جوت و سنگ به حساب اوباش و ارادل رسیدند. در این درگیری در حدود ۲۰۰ نفر زخمی شدند.
حضور هادی غفاری سرهماقدار معروف رژیم جمهوری اسلامی بهنگام این سرور ننگین در رشت، نشان دهنده سازمان با فکری جنایت قوی است.

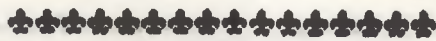
در رابطه با سرور بهرام فرحساک اعلامیه‌ای از خاستگروهی از باسداران حرکت‌های فدائی - خلق ایستار یافت. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است:
"قداره سندان با فریاد ساز هم قاصه‌های آفریدند"
بقیه در صفحه ۳۵

نکاتی حد دربارد کمیته تروریستی با فریاد رس :

با فریاد محله فقیرنمایی است که همانند محله جمید تهران، تعداد کسری معناد و سیکاره در آن ساکن میباشد. در این محله بعضی مبارزه با مواد مخدر سیاه باسداران، دو مدرسه را ظاهراً جهت بهبود معیادین احصا داده است. یکی از این محلهها دبیرستان "زماچهری" است. مردوران، پس از اینکه تعدادی از معیادین را با زور و بکشم در این مدرسه گرد سوارند، بغول خودشان شروع به مداوا و معالجه آنها میکنند، ولی همراه با معالجه، سسموی متری (آمورس ایدئولوژیک) نیز صورت میگیرد و با توجه به شخصتهای معیادین، این آمورس با برابری سواست است. مثلاً آنها هنگام آتش زدن دکههای رشت معیادین را همراه خودشان برده و در بعضی از درگیریها با نیروهای انفلاسی جهت بیورن به دحبران و... از آنها استفاده نمودند. بدین طریق کمیته تروریستی و فائیدی با فریاد نکل گرفته است و دارای سیکلانی است. علاوه بر این کسند در جهت حدت نیرو برای سرکوبی هرچه بیشتر، عمده کوشش خود را روی کودکان و سوجوانان کم سن و سال سمرگر کرده است. سوجوانانیکه با توجه به موقعیت سنی و اجتماعی با اندکی آمورس های سلاسی و کارکرد آمده تحت تأثیر مزار گرفته و به دام مرکز آسان میافسد.

با این ترتیب دو گروه در این سازمان تروریستی وابسته به سیاه باسداران جمهوری اسلامی سرک دارند :

- ۱ - عناصر معناد و سیکاره ؟ ۲ - کودکان کم سن و سال محله جمودا - سن ۱۰ تا ۱۵ سال. برای سوجه بهر استیمیم کودک ۱۲ ساله ای بنام (بیورس) پس از ایجاد رابطه سنا سازمان تروریستی و عضویت در آن با نند سیاه دست به چه اعمالی رده است :
 - ۱ - بیورس همراه یکی از همسالان خود در یک اسومسل زمان در بانکد ایرلی رس دستگیر میشود که بعد معلوم میشود ما شین را سرقت کرده اند، درای روز دستگیری بیورس آزاد میشود!
 - ۲ - در هنگام آتش زدن دکه های میدان سهرداری رس با پردهم "لا اله الا الله" روی ماسن سیاه باسداران دیده میشود؟
 - ۳ - در یک درگیری حیابانی با نیروهای انفلاسی سوی یکی از دحبران اسلحه کشیده و شروع به سیرا برداری میکنند، بیورس توسط نیروهای انفلاسی دستگیر و تنظیم سهریانی رس میکنند، در باره جوشی ها که در حضور پدرش انجام گرفت او به هیچ سوائی از جمله اینکه : اسلحه را از کجا آورده ای ؟ جوابی نداد، پس از چند دقیقه از طرف سیاه او آزاد میگردد!
 - ۴ - یکبار توسط های نوآده اش از جیبوی بسته های هروئین که مشخصه ارتباط او با باسداران است، بدست میآید. همچنین در هنگام وقوع حادثه (شنبه ۱۳/۱۰/۵۹) و شهادت بهرام مرحناک، او در کنار آدمکشان برای اطمینان از شهادت بهرام با کمال خونردی شهید بهرام را نکه میدارد تا آخرین قطره های خونش بزمین ریخته، آنگاه با خاک روی خونها را میپوشاند و به کمک سیاه و در پناه اسلحه آسان موفق به فرار میشود.
- اینگونه جنایات، آدمکشی ها و قساوت را بخوبی در رژیم مسند شاه نهاد داریم و ایستک حکومت جمهوری اسلامی برای تداوم بقا بودن به این اعمال ننگین اقدام به ایجاد اینگونه سازمانهای فدائلی نموده است.



بقره از صفحه ۲۰
به ازای هر مال مبلغ ۵۰۰ تومان مالیات بهر دارد.
یک راستنده بعد از یک هفته کار اظهار
میدانند - این شرایط کار را برای مسافرکنش های
سختی سسر یک دلجو سکن کرده تا یک سسبع
درآمد او میکند در روز باید ۲۵ تومان مالیات
سرس بدهم ۲۰۰ تومان مالیات و ۵ تومان
به کسولجی و سرفیها روزی ۲۰ تا ۳۰ تومان
خرج خود ماسن است. مقدار درآمد بکروز کار.

با ۱۵ لیتر سیرین بیشتر از ۲ ساعت کار نیست
و آن هم بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ تومان است. سسبلاً
خودشان قساوت کردند که در آخر چه چیزی دست
ما را میگیرد؟
بقره از صفحه ۲۹
بوده مان به کشیده و سی ریاسر از وانی ها
کمی را پیدا نکرده اند و امداد با سار سکنه
کنند. اگر ما هم ایجاد و مردانگی را سکنان
با کسی را دانسیم، منظور به سمران میماند

بقره از صفحه ۲۰
به ازای هر مال مبلغ ۵۰۰ تومان مالیات بهر دارد.
یک راستنده بعد از یک هفته کار اظهار
میدانند - این شرایط کار را برای مسافرکنش های
سختی سسر یک دلجو سکن کرده تا یک سسبع
درآمد او میکند در روز باید ۲۵ تومان مالیات
سرس بدهم ۲۰۰ تومان مالیات و ۵ تومان
به کسولجی و سرفیها روزی ۲۰ تا ۳۰ تومان
خرج خود ماسن است. مقدار درآمد بکروز کار.

روستای ۵۹/۱۰/۶

در این تاریخ هیئت "پاکسازی" به کارخانه هرس کابلان (شهاب سابق) رفت و امامی ۱۶ تن از کارکنان کارخانه (کارگر - کارمند) را به کارگزینی ابلاغ نمود.

جالب اینجاست که ۲ تن از کسانی که نامشان در لیست "پاکسازی" بود مدتی خدمت سال ۵۶ همد و برای جنگ بین دو دولت مدخلی ایران و عراق به جبهه اعزام شده اند. آنها همسور از اعدامات "انقلابی" هیئت "پاکسازی" مطلع نیستند.

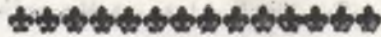
آبکنار

مدتی پیش بدنهال شکایت رحمتکنان آبکنار، محمدعلی سیاوش یکی از اعضای گروه سریت محرم شهید و ادیت و آزار مردم دستگیر و زندانی شد. اما اخیراً فرزند او با در دست داشتن حکمی از جانب فدوسی دادستان دادگاههای انقلاب درمذد آزاده او برآمده است. خانواده این سنحی که تاکنون بدلیل همانیت شکایت اهالی سواستگاه او را آزاد کنند، با سوءاستفاده از اعتماد رحمتکنان و با نشان دادن نامه های مدعی بر پهنهائی سیاوش سعی در گریز رهاست از مردم آبکنار و آزادی او دارند.

محمدعلی سیاوش که وابسته به یکی از گروه های "فریت" است از مدتی پیش با فرزند دامن برگ نامیدی از جانب این گروه و بعضاً همکاری پدرش به شهید و ارباب فرزندان رحمتکنان آبکنار پرداخته بود. او در یکی از شبهای ماه محرم به در دست داشتن کلت و ۳ - ۴ به میدی که مردم در آن جمع شده بودند، رفته و پس از بحث و جدل با اهالی، اسلحه را بطرف آنها

گرفته و سعی در مسلح کردن جو و اینستاد درگیری کرد. اما امداد او با بسیاری مردم حتی سد و اهالی بعداً از دست او شکست خوردند و خواهان دستگیری سیاوش شدند. اما اعمال رژیم ضد رور پس از دستگیری او آزاد کردند. آزادی محمدعلی سیاوش اعراض گسرده رحمتکنان آبکنار را بدنیال دادست بطوریکه ما مسورتن بناچار مجبور به دستگیری دوباره او شدیم. اما تلاش همیالنگی های برای آزادی او ادامه یافت بطوریکه مدتی پیش حاج کریمی رئیس گروه سریت هسهر طوالی (کلاهدار معروف که بر دستگیر درگیریهای کابلان شرکت داشته) به بهانه تحقیق در باره دستگیری سیاوش به روسای آبکنار آمد و بهای تحقیق، شهید و خط و سان گسستن برای نیروهای انقلابی پرداخت.

در پی این وقایع، هواداران حرکتکسای فدائی خلق در آبکنار با انتشار اعلامیه ای در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۵ از رحمتکنان آبکنار خواستند که با بسیاری تابع آزادی سیاوش شوند. در ضمنی از این اعلامیه آمده: رحمتکنان مبارز! ما میپرسیم زمانی که بهترین فرزندان خلق، عمریر رمفائی ها، سعادتس ها، حوس دوق ها و... در درون زندانهای جمهوری اسلامی بدون هیچ دلیل و فرقا" بباطر دفاع از منافع خلفهای دست سسرم زندانی میشوند، چرا کسی به دادخواهی از آنان بلند نمیشود، اما وقتی مزدورانی چون سیاوش به وسیله اعراض مردم به زندان افکنده میشوند مسئولان با مطلاع انقلابی به دفاع و دادخواهی از آنها برخاستند و رفیقه آزادی آنها را فراهم میارزند. پس بر سا رحمتکنان است که با اسناد و شکاری خود تکذازید بار دیگر حاشیسی و وابستگان امپریالیسم بر سر ووششان داکم شوند.



مردم مبارز رشت

بسمه از صفحه ۲۳ رژیم جمهوری اسلامی بدنیال شکست بدنیالنه ان در بهنده مبارزات بوده ها هر رور در گوشه و کنار میهدمان دست به کشتار میزند و در کردستان قهرمان به قتل عام ریان و کودکان بوسیله پاسد ایران وارنش مدخلی همچنان ادامه میدهد و این در حالی است که عوارض ناشی از جنگ عبر عادلانه ایران و عراق (گراسی - بی خاشیانی و مهر) توده های مردم را به سوه آورده است. کناردانگاه و بدنیال آن بخون گسستن حیایان نهائی و نزور حسن صالحی ها و بهرام فرحاک ها اولیس و اهریس عمل سنگین رژیم وابسته جمهوری اسلامی خواهد بود. آنها برای بقا خویش راهی بحر سرکوت و کسار بوده ها ندارند ایران سرانجام به سرسوسی دچار خواهد شد که رژیم منظور بهلوی دچار ان کردند. تجربه نشان داده است نیروی توده ها برای درهم گسستن امپریالیسم و انادی دست سسار شده ان باید مسلح شده و در سگر پیمانگان واقعی مردم تا برفراری جمهوری دموکراتیک خلق بدرهبری طبقه کارگر مبارزه ادامه دهند تا مهتی آزاد و دموکراتیک داشته باشد.

تهاجم رژیم به دهکده داران

تهران - در تاریخ ۵۹/۱۵/۲۸ حدود ۱۵۰ نفر از دهکده داران حیابان مهدی (زمین میدان ولی عصر و چهارراه مهدی) بخاطر اعتراض به جواب ندادن دهکده ایسان توسط دهکده داران کمیته مرکزی و ما موران سهریایی، بطرف سپرداری راهپیمایی کردند. آنها طی قطعه نامه ای خواستار آزادی بناطق ها و دهکده ها تا دادن کار به بیگزاران شدند. همچنین آنها خواهان معرفی نمایندگان جرایم دهکده ها و معازات آنها شدند.

این حرکت موقعی شروع شد که دهکده داران صبح روز ۲۸ دیماه هنگامیکه به محل کار خود آمدند با دهکده های ویران شده خود روبرو گشتند. در پلاکاری که آنها تهیه کرده بودند، نوشته شده بود "بسیار گذشت ۲ سال از انقلاب مستانه، نیکاری به تنها حل نشده، بلکه نه آن افزوده شده، هزاران جوان دهکده بیگزار با کرفتن پول بزمی بناطق بها کرده اند که توسط کمیته های انقلاب تمام دهکده ها ویران گردیده و بناتین کار جسم مردم را برانگیخته اند. لذا از مسئولین حکومتی میخواهیم که اگر در این مورد هر چه سریعتر اقدام نکرده (نکنند)... خود دهکده داران به این امور رسیدگی خواهند کرد".

و در پلاکارت های دیگر این شعارها دیده میشود: "شمار هر دهکده دار - کارگر بیسرای بیگزار"، "دهکده دار شهید و فردا ثنویت نبوده"، "در قطعه نامه دهکده داران مظلومی قید شده بود که: "اگر دهکده داری صفایر با قانون اساسی است چرا دهکده های میدان ولی عصر به بالا بر خیزند نمی شوند". ولی عده زیادی از دهکده داران با این ماده مخالف بودند آنها میگویند دولت درصدد سرچیدن تمام دهکده ها نیست نباید بدست آورد و شایسته این ماده اختلافات را بین خود دهکده داران دامن نبردند. درحالیکه ما نباید متحسد باشیم.

این حرکت اعتراضی که گاه "جنبه خود-سعدی داشت، مورد حمایت مردم قرار گرفت و هر کس با یادآوری و طرح جنبه های از اعمال ظالمانه رژیم در حق بنوده ها، از آن حمایت میکنند. دهکده داریی نیز که حیابانان هنوز با برجا بود، بر این حرکت صحت گذاشتند. بعنوان مثال بیگ دهکده دار روریا مه دروش روزنامه انقلاب اسلامی را که تکس بهنسی در آن بود زیر پا گذاشتند و

بعنوان اعتراض لکدکوت کرد. دهکده دار دیکسری سوار برود استرنا سبوسال را با صدای بلند سخن کرد.

بدلور کلمی دهکده داران مضمون اعتراضی خوایی از مقامات مسئول دریافت نکردند ولی با حرکت اعتراضی خود موجب افشای طرح سیستم شدند.

تهران - روز شنبه ۱۳ دیماه راستدگان بیگزار مسافرکش های شهری بطلب اعتراضی به سران دگر- شده از طرف سپرداری و گزینش سران دگر در شهر در مقابل سپرداری، بران در حیابان فاطمی و اداره طرح تراشک در حیابان بلافتایی اجتماع کرده و مشخص شدند.

چندی پیش به عده ای از این راستدگان پروانه اجاره کار داده شد اما بران ایندهای توسطی شخص دیگری بنام روزهای بعنوان سرپرست سپرداری انتخاب شد. وی اعلام کرد که تصمیم شهردار قبلی اشباه بوده و دیگر اجاره کار به هیچکس داده نمیشود. شهردار جدید همین گفت: "ممکن است اجاره کار راستدگان میلی را هم لغو کنند". اجتماع کنندگان در مقابل سپرداری که بران چندین روز سرگردانی و رفت و آمد نتیجه ای نگرفته بودند با پاساری رسید منتظر جواب از طرف شهردار بودند. اما این بار هم رژیم بجای جواب دادن به بنوده های زحمتکش درصدد اعمال زور و فشار بر میآید و ما موران کمیته و حزب الهی را برای پراکنده ساختن دستگیری راستدگان فرستاد. ما موران یک نفر را بدون دلیل و مجرم احلال و تخریب بارداستند کردند که با معاشق مردم روبرو شد. اما بالاخره مردوران به زور او را از محل تجمع دور کردند. بطلب این اجتماع، مردم زیادی در اطراف راستدگان بیگزار جمع شده و به کوهنکو پرداختند، مردم در این گفتگوها از راستدگان پشتیبانی کردند و آنها را تشویق به ادامه سخن نمودند.

بالاخره از طرف سپرداری اعلام کردند که باید در مورد شما تحقیق شود و مشخص شود که آیا شما محتاج به کار هستید یا نه و بناتین کار میلیتان بوده یا نه؟ آنگاه شما جواب داده خواهد شد.

حمله جما قدران حکومت به فروشندگان کتب و نشریات گروههای سیاسی

مقدمه: فالانزهای دست پرورده، مقاصد دولتی به بیاط فروش کتب و نشریات گروههای سیاسی، هر روز حوادث جدیدی در گوشه و کنار میهمان بوجود میآورد که با نتیجه منبسط به افشای هرچه بیشتر ماهیت رژیم جمهوری ابدالی و ارتقاء آگاهی و روحیه ترقی مردم میسر میشود. گزارشات زیر بیانگر این روند میباشد.

قائم شهر

ساعت ۷/۵ روز شنبه ۵۹/۱۰/۲۵ بیاط فروش کتب و نشریه گروههای سیاسی در آنجا مصادف با ساری مورد حمله با ایداران سلسلیم و فالانزهای همان بدست قرار گرفته در پی اینست حمله نواداران گروههای سیاسی بیاطر چنانچه از درگیری برآکنیده شدند ولی هنگامیکه تاریخ ۵۹/۱۰/۲۲ بار دیگر با ایداران دینیه تها حسم زدند. درگیری بین طرفداران نیروهای سیاسی و فالانزهای حکومتی آغاز شد.

نواداران گروههای سیاسی که در پی این هجوم ابتدا برآکنده شده بودند، بزودیت متوجه متوجه شدند، آنگاه با ایداران یکی از ردههای سیاسی دستگیر کرده و با زور حنفت و آنگاه با خنجر برده، آنها با مفاکده این صحنه جمع شده و با فشارهای چون به زندانی سیاسی آوند باید کشیدند. آزادی سیاسی حق مسلم ماست، ضمنین با مقاومت کردیم. از همین رو با ایداران نیز درگیری در پی گرفتیم (رئیس سپاه ایداران) دو باره حمله با رژیم گشتند، آنها این بار شروع به کندن آطنجههای روی دیوار کردند. مردم که وقاحت مزدوران رژیم را ندیدند، با "هو" کشیدن، عمل آنها را مکتوم کردند و هواپاران نیروهای سیاسی نیز در صحنه مقاومت زده و یکی از فالانزها را کتک زدند. با ایداران که بطر مکن العمل مردم تویضه کردند، شروع به تیراندازی کرده و بصددا" یک تظیر را دستگیر و با خود بردند. اعمال فدائیان سیاسی با ایداران و دستگیری دو نفره نواداران گروههای سیاسی را متوجه ساختند که تنها با مقاومت نمیتوانند با ایداران را مقنن برانند، به همین خاطر دوباره جمع شده و شروع به دادن شعارها شدند. چون: دانشجو، دانشجو حامی زحمتکشان - با ایدار با ایدار، دشمن زحمتکشان و با ایدار، با ایدار، حامی سرمایه دار - کردند. چند دقیقه بعد از این مقاومت دستگیری گروهی با ایدار مسلح در منزل پیاده شده و به صف شعاردهندگان حمله بردند.

این درگیری تا ساعت ۶/۵ ادامه داشت. در ضمن زدو خورد، نواداران اکثریت در گوشه ای ایستاده و با سمختر به مقاومت مردم در مقابل با ایداران میگریستند.

قائم شهر

مدتی است که نواداران جریکهای فدائی - خلق و مهاجدین خلق در محله چهارشنبه بازار بیاط فروش کتب و نشریه برپا میکنند. چهارشنبه بازار محله ایست که کشاورزان فقیر که اکثریت افراد آگاه بوده و با هیبت رژیم جمهوری اسلامی را میشناسند، روزهای چهارشنبه هر آنجا بار - فروشی میکنند.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱ حدود ۲۵ نفر از نوادگان رژیم برهبری سیفان، شخصی کسه شدیدا مورد تضرر آسانی محل است بیاط نزدیک شده و با شمارهای از این قبیل: فدائشی - میافق اخبارت میکنند - وگرنه انقلابی رفتار ... شروع به باره کردن تراکتها نمودند. رژیم با مقاومت نواداران روبرو شدند. بدینسان درگیری ای که پیش آمد ۴ نفر توسط مزدوری به اسم برای زخم شدند، ولی درگیری هنوز ادامه داشت. سیفان مزدور مطابق نقدهای که از فیصل ریخته بود با جنابانگی های خود بوسيله قلاب بطرف مردم سنگباران کردند که متقابلا از طرف نواداران جریکهای فدائی خلق و مهاجدین خلق حمایت دریافت نمودند. و مردم محل با حمایت از انقلابیون انزهار خود را نسبت به رژیم و مزدوران او نشان میدادند، آنها میگفتند اگر امروز جلوی این مزدوران را نگیریم، فردا به خانه های ما حمله میکنند. مردم محل همچنین در مقابل مدوی زن فالانز که برای مدخله در تیرگیری آمده بودند، ایستادند. پس از آنکسه مزدوران رژیم در اثر عکس العمل نیروهای سیاسی عقب نشستند، "برانی" بار دیگر به محل آمده و مردم دور او حلقه زده و در مورد جان و زدن چهار نفر او را مورد استنطاق قرار دادند. در این هنگام ماه موران شهرتاسی سر رسیدند و چون چشم مردم و حمایت آنان را دیدند او را دستگیر کردند و با خود بردند. در این جریان جوانان انقلابی موفق شدند چند مزدور را مورد تفتیش بدنی قرار دهند و در مقابل چهارمردمی که شاهد تظیرهای فراوان مزدوران میسی سرانکار

مرگ بر ارتفاع ، ارتفاع ، ارتفاع دوی سروری که معلوم شوند شده ها . مرگ بر پاسدار . پاسدار حامی سرمایه دار نابود باید کرده .

شکایتم - یکی از هواداران حزبان مضطرب " کار " در تاریخ ۲۸ دی حدود ساعت ۱۱ صبح در گذشتار . فرمانداری شهر مشغول فروش روزنامه کار بود . مثل همیشه پر از مدتی مردم در محل جمع شده به بحث پرداختند و طبق معمول پاسداران با دیدن اجتماع ، به مردم بورش برده و شروع به فحاشی و کتک زدن هواداران جزا شد . پاسداران فرودنده روزنامه کار (اکثریت) را گرفته ، کشان کشان بطرف ماشین خود بردند که چند نفر از هواداران حزبانهای دیگر بکمک او شتافتند . اما خود هواداران مضطرب " کار " (اکثریت) هر کدام در مقام دفاع از همپاسا - لگی شان جزا شدند . در این هنگام مدرسه پسرانه خمینی (پهلوی سابق) تعطیل شده و تیر از جام جمعیت افزوده گشت . و شعار " مرگ بر پاسدار " " مرگ بر ارتفاع " از میان جمعیت اوج گرفت . پاسداران درحالی هم که اوضاع را وخیم دیدند ، با بیقرار گذاشته آنها را ترک کردند . در ضمن باج گزبان معزوف مثل محمد علی وطن - دوست معروف به " سبیل " ، حسین طالبیان جافوگنی حمید مرشدی ، رسولی معروف به " گل رسول " و عباس قهرمانی معروف به " عباس مرده شور " در اینسن حزبان پاسداران را کمک و همراهی میکردند .



اعصاب رانندگان وانت بار (تهران)

روز پنجم ۱۹ آذرماه در اخبار اعلام شد که رانندگان وانت بار برای دریافت کوبین بنزین در روز جمعه ۲۰ آذرماه با مراجعه سه شبه بانک صادرات میتوانند کوبین یک ماهه خود را دریافت کنند و به ازای کوبین ۲۵۰ لیتری مبلغ ۲۵۰ تومان بپردازند . شرایط دریافت بنزین به این شرح اعلام شد :

- تنها صاحبان وانت هاشی که در اتحادیه وانت بارها عضویت دارند و با صاحبان وانت هاشی که در سند آنها کلمه "گروه" ثبت شده باشد میتوانند کوبین دریافت کنند .
- از بین ۶۵ تا ۷۰ هزار راننده وانت بار در تهران ، اکثریت آنان عضو اتحادیه نمیباشد و اگر بدانیم که حق عضویت برای هر نفر ۵۰۰

مردورسان بود ، حاقو و پنجه بکن از آنها دست آوردند .

ساز آن بار دیگر عملهای از طسیرف فالانزها صورت گرفت که با همکاری مردم دفع شد . بیروزی که در اس عمل با خوبتر سر بگی از فالانزها گویند ، مورد تشویق مردم قرار گرفت و شمار درود بر تو ای مادر مبارز در همه جا پیچید . پس از این واقعه ماشینهای کمیتسست متکرات بازار را گشت میزند تا بتواند کسی را دستگیر کند .

فایم شهر - ۵۹/۱۱/۵

بار دیگر محله چهارشنبه بازار صحنه درگیری پاسداران و حماق بدستان با نیروهای انقلابی و مترقی شد .

در ساعت ۴/۱۰ دقیقه ابتدا ۷ نفر پاسدار به ساط کداندرونی رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق و هواداران معاهدین خلق حملسسه بردند ، ولی چون با مقاومت هواداران و مسردم محل مواجه شدند ، از آنجا رفتند ولی دفاعی بعد با عدهای حماق بدست وارد صحنه شدند و هنگامیکه با مقاومت معدد روبرو شدند ، مقاومت به سراننداری هوایش کردند . این تیراخشسذاری برای چند دقیقه ای باعث مشرق شدن مردم شد ولی آنها دوباره جمع شده و شعار رفقای هوادار را با طنین هرجه تمامر تکرار کردند ، شعارهسا عبارت بود از : مرگ بر آمریکا ، مرگ بر مردوران

در این حزبان یک نفر از طرف پاسداران مورد ضرب و کوب قرار گرفت و دستگیر شد . نکته حالب توجه اینکه ، در اینجا تمام زبهای محله در درگیری شرکت کرده و درزندان مبارز خود را مورد حمایت قرار دادند .

سایل

از تاریخ ۵۹/۱۰/۲ تا ۵۹/۱۰/۱۷ (تاریخ ارسال خبر) پاسداران فدهلی چندبار به چهارب راه نهریاسی که محل فعالیت نیروهای سیاسی در زمینه فروش کتات و شرمات است ، حمله بردند و هر بار با مقاومت نیروهای مبارز و حماستت فعال مردم از آنان روبرو شدند . در این حملات از رسان ارتفاعی سمح نیز استفاده شده بود . شمار هاشی که داده میشد عبارت بودند از :

شومان برای کسانی که قبلاً عضو بوده‌اند ۱۲۰ شومان است. شومان به حساب رزیم برای برگردن خزانه، حالی دولت به سمت اخادی از این رانندگان رحمتکس بی برد. این نقشه باعث سرازیر شدن بیش از دو میلیارد شومان به حساب دولت می‌شود. عده‌ای از رانندگان زحمتگانی که هم‌اکنون در جلوی اتحادیه و انجمن‌ها واقع در میدان نوحید جهت دریافت دفترچه عضویت صف بسته و شورا به صبح رسانند. اوایل صبح بین کمیته‌های های مزدور و رانندگان درگیری بوجود آمد. و کمیته‌ها به توجیه به تعداد محدود رانندگان و قدرت اسلحه خود چند راننده را بشدت کتک زدند. اصحاب از حدود ساعت ۸ به بعد که تعداد رانندگان افزایش یافت. رانندگان توانستند با متوقف کردن ماشینهاشان در وسط خیابان ایجاد راهپیمایان نمایند. آنها ضمن دادن شعار اعتراض خود راه شرایط اعلام شده اعلام نمودند. اما هیچ جواب مشخصی از طرف اتحادیه به آنان داده نشد و بهمین دلیل شروع به تالافتن از دیوار اتحادیه کردند با وارد اتحادیه شده و حق خود را بگیرند.

و یکی از ما موران را که شورا بداری کرده بود، بظاهر حلق کردند ما شواناتد رانندگان را به آرامش دعوت کنید. اما رانندگان غصبوب میدانستند که این اعمال "سازسازی" است. و پس از آن دوباره رانندگان با ذکر اینکه "ما خواهیایمان تنها لغو این قانون نیست، بلکه افزایش مقدار بهترین دریافتی هم هست و باید ما به اتفاقات قیمت بهترین ماه گذشته را نیز برقرارند." در خیابان شواب به راهپیمای شیبسی برخواستند و دوباره پس از مدتی به محل تجمع برگشتند.

در حدود ساعت ۱۱/۵ عصر رسید که رانندگان و انجمن، می‌توانند بدون نظارت کوبین بهترین را دریافت نمایند ولی برای دریافت ما به اتفاقات غصبوبت چهارمی می‌باشد. رانندگان در اینصورت اظهار می‌داشتند: "به جهت فشار آوردن ما بود که ما به اتفاقات این ماه را پرداخت کردید، ولی باز ما را محصور کردند که حق عضویت ما را برداریم. اینها غیبتی محتاج بول هستند.


بقیه در صفحه ۴۴

در شرایطی که فقر، بیکاری، گرانفروشی در جامعه ممداد میکند، رزیم جمهوری اسلامی همچنان دگه‌داران را تحت فشار قرار میدهد که دگه‌های خود را از خیابان‌ها برچینند. سهرداران مزدور اظهار میکنند که جهت آزاد نمودن سباه‌روها "!! دگه‌داران بخش از این باید به بند کشیده شوند و تنها وسیله تا بهین معیشتشان تا نبود گردد. آیا براساسی برای رزیم جمهوری اسلامی "آزادی سباه‌روها" مطرح است یا آزادی بجای بجای برای سباه‌داران وابسته؟! "

در این هنگام ما موران مزدور رزیم که داخل ساختمان اتحادیه نمودیم، با اسلحه‌های خود بیرون آمده و رانندگان را تهدید به تصرف اندازی کردیم. اما آنها با چنارت کامل توله اسلحه‌ها را اسیر کردند. مردوران که متوجه شدت آنها و اهمیای از اسلحه ندارند، شروع به تفراندازی هوایی کردند و رانندگان هم که از این عمل سبب خشمگین شده بودند، ما سواب سبک و آهسر به جواب گویی پرداختند و کسبه‌های های مزدور را به عقب نشینی وادار نمودند. آنها شمار می‌دادند "مرگ بر سباه‌دار"، "مرگ بر اتحادیه، ساخگی". در این میان یک راننده، وانت که از طرف جمعیت به بالای دیوار فرستاده شده بود شروع به سخراسی کرد و گفت: "من یک راننده و است هدم" و دسترجهاش را نشان داد و گفت این زورگویان با قائل شدن این ناسون میخواهد حق ما را ضایع کنند، و این ناسون روز است. این اتحادیه حقوقت مال ما نسوده و نسبت و ما یک اتحادیه واقعی میخواهیم. وی همچنین سایر خواسته‌ها را مطرح نمود که مورد تأیید اکثریت رانندگان واقع شد.

پس از مدتی تعداد دیگری از ما موران کمندای به کمک سوادران خود که در سراسر موم هم رانندگان مساعیل ساخته بودند، آمده

موران مزدور
شماره ۱۵۱
شماره ۱۵۱



شماره ۱۵۱
شماره ۱۵۱

موران مزدور
شماره ۱۵۱
شماره ۱۵۱

موران مزدور
شماره ۱۵۱
شماره ۱۵۱

صفحه از صفحه ۴۶
حال بهتر است معذاری به وضعیت اسفند
راستدگان سرداریم.

بعد از تمام که تعداد زیادی از شرکتها
و مؤسسات وابسته تعطیل گردید، عده زیادی
از کارمندان و کارگران اس واحدها بیگسار
شدند. اس افراد برای ادامه و گذران خسیرج
زندگی به سها راه ممکن که میتواند مددافیل
زندگی خود را فراهم کنند یعنی مسافرتی روی
آوردند. بعضی از آنها با آر فیل وسیله تالیمه
داشتند و با اینکه با فروش لوازم زندگی شان
امداد به خرید ماشین نمودند تا از طریق آن
خرج زندگی شان را تهیه کنند.

با شروع جنگ بین دودولت ارتها می ایران
و عراق و جیره بندی شدن سزین و منع عبور و
مرور ماشین های شخصی در روز و از طرف دیگر
کوبی شدن سزین ماشین ها و محدودیت ۳۰ لیتر
بنزین در ماه برای اتومبیل های شخصی، ضربت
سزگی به این شخصی از زحمتگان وارد شد. اس
افراد با گهان زندگی خود را مواجه با نابودی
یافتند.

دولت به سها نه جنگ استدا مسئله جیره سز

بندی سزین و سزین مسئله افزایش قیمت سزین
اتومبیل ها را اعلام کرد. افزایش قیمتی گسبه
برعکس گفته های مردوران رژیم سها سنگینی اس
بر دوش زحمتگان است.

راستدگان مسافرتی های شخصی با دوندگی
های بسیار و وارد آوردن فشار دولت را وادار
نمودند که به آنها پروانه اجازه کار بدهند.
اما دولت اس بار سز حیطه ای نگار بود گسبه
به آنها باعث بهبود وضع اس زحمتگان نشدند
بلکه پول بیشتری هم به خزانه دولت سز سز
کرد. نگاهی به شروط کاری که برای اس را
گان فاضل نهادند اس ادها را ثابت میکند:

- ۱ - سزین را باید لیتری ۳ تومان
- بخرند.
- ۲ - مقدار سزین هر روز ۱۵ لیتر است.
- که برای افراد مجرد به ۷ لیتر تقلیل پیوستدا
میکند.
- ۳ - ماهی ۶۰۰ تومان بابت مالیات سز
اداره سز سز سز میپردازند.
- ۴ - بلاگ ماشین همجان شخصی سز میماند.
- ۵ - سز ماشین باید قطعی باشد یعنی اگر
راستدهای ماشینش را بشکل وگالتی خریده باشد باید
بقیه در صفحه ۴۴



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر



ساری - قریه بزرگه

سال پیش ۱۶۰ نفر از اهالی بهمت جوانان اس قریه اقدام به معادره ۱۰۰ هکتار از زمینهای
فئودالی بنام حیدر طهماسبی کردند. اس شخص ضمنا از اهدای انتخاباتی شورای محلی سها بان خانانی
ساری است که از توزیع کالاهای ضروری مردم بود فراوان محبت کرده است.

س از معادره، روستائیان بکدور زمین را کاشتند. ولی طهماسبی در این مدت بیگار نبود. او
با استفاده از قوانین جمهوری اسلامی برای غارت و استثمار هر چه بیشتر دهقانان با اصطلاح راهنهای
فائونی بافت و شکایت نامهای علیه معادره کنندگان زمین. توسط فامیل خود شیخ طبری امام جمعه
ساری و شیخ لاسی اهل نکا، تنظیم و به دفتر جمعیتی فرستاد. او در مقام شکایت نامه، به همراه نام
معادره کنندگان زمین، مزورانه نام دو نفر از فئودالها حاج امامعلی اسفندیاری و حاج منصور
کولیاری را که هر دو با او رابطه نزدیکی در داد و ستد زمین دارند، آورد تا معادره زمین را
توطئه فئودال ها قلمداد کند. تاگفته همانند دو فئودال مزبور هم با اس گرفتن زمینها از دهقانان
بی نصیب نخواهند ماند.

حال حالت توجیه است. جواب خمینی اس حامی مستضعفین!! را به آقای طهماسبی "ستد سز"
مشاهده کنیم. مظ سندی که در پیش رو دارید خمینی کما فی السابق مالکیت اشخاصی خون طهماسبی
را مشروع قلمداد کرده است.

افرودهای سر "حنگل ها"

کوشی درخت های "سماگل"
 با دست و سر رهنه دوا شده است
 که غرس سلاح و جوش خون شهید
 مردم فروزی میگرد.
 بذری که "کوچک" و "عموا و غلغلی" باشندند،
 اکنون نهال میشوند، اکنون نهال ها!
 بنگر که کوه و شهر، شامش، آذین میگرد
 با قامت بلند سپاهیان
 و اخوردگان
 گفتند ساوه - "حاشی عیار"

با مدهزار گرمه و غنچه مسلح است
 جز صبر و انتظار، رهی نیست

ایا
 ای همو من به کار، توای بیدار!
 بر نام شهادت، نظر کن:
 دریاثی از "درخت" سترگ و مسلح است
 کاستک به سوی "مکتب" میآید!

سال ۱۳۵۰ خورشیدی



بطنه از صفحه قبل

آری، هر روز همگنان میهمان در جریان مبارزه میخوردن بی ماهیت این دغلبازان رژیم
 مدخلی جمهوری اسلامی میبرد، باشد که خدمتان توفند باد....

بجز خدا

دین ما را نیست جز دینت، آجالت اللهی امام خمینی را مصلحت ما
 بعضی میارند برساند که مراد از اینست دین ما را نیست
 پس فرموده اثر از زمینهای اصلاحات ارضی باشد باید
 مراجع شوند همگام صالحه مردم صحت اصلاحات ارضی است
 و جلیت رضایت سالت می باشد یا غیر

یا فقیرم احترام امام بخش بنفش

بسم الله
 حکم کنایت از مکتب
 و جلیت از مکتب
 گام بر سر که به مکتب
 اصوات از مکتب
 مکتب از مکتب

دوسم کهدراسون دانشجویان ایرانی هوادار حریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت دوروز بزرگ تاریخی ۱۹ بهمن ۴۹ (سرآغاز مبارزه مسلحانه) و

۲۱ بهمن ۵۷ (قیام شکوهمند خالق)



SHAHKAL:

Der Beginn der
neuen revolutionären
Bewegung des
iranischen Volkes

مسئله
سرودهای انقلابی
مراکز کبانه یک از شهیدان جنگ
تسلیس "ایه گارشور شاهانه"
سلسله
دانشگاه "مراهبهان"

کهدراسون دانشجویان ایرانی هوادار
حریکهای فدائی خلق ایران

زنده باد مبارزه مسلحانه که نتهاراه رسیدن به آزادی است

تکثیر از

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم استکهلم (سوئد)
هواداران حریکهای فدائی خلق ایران